



نشریه تولیدات شبکه اجتماعی افسران
www.afsaran.ir

سال چهارم - شماره ۳۳
چهارشنبه ۳۰ دی ۱۳۹۴

انتخابات ۹۴ و آینده جمهوری اسلامی

مردم سالاری دینی

نسل سوم در #بعداز خمینی

ماموریت در وقت اضافه

مصاحبه با کاربر Abbasrouhi





برای حضرت بائرا

نویسنده: الهام علی اکبری

وقتی در سفر بودم هر از گاهی به هر بهانه‌ای یادت می‌افتادم،
انگار در تمام مسیر پیاده روی، در نجف و حتی کربلا می‌دیدمت!
از بس که دوستت داشتم و دارم
انقدر در دم مهر تو هست که خدا می‌داند.

انتظار دیدن چهره‌ی معصومت در من کششی ایجاد کرده بود که به شوق این دیدار، پایان سفر
اربعینم، آغاز سفری دیگر بود.

نه خستگی سفر داشتم و نه بیماری، ذره‌ای شوق مرا کم می‌کرد
تنها با یاد لبخندها و نگاه‌های شیرینت هر لحظه زنده‌تر می‌شدم
خواهر زاده‌ی شیرینم، سید مهدی عزیزم! بیمار بودم،
و چه سخت می‌گذشتند ساعت‌ها و خوب نمی‌شدم. برای دیدارت التماس کردم...
قصه‌ی عشق و انتظار اینچنین است که به خاطر بیماری تا بهبودی از دیدن عشق محروم بمانی.
انتظار یعنی...

که عاشق باشی،

دلت برای دیدن محبوبت پرپر بزند... اصلا بیمارتر بشوی!
اما من آلوده به گناه چگونه انتظار فرج مولایم صاحب الزمان (عج) را می‌کشم؟
گناه همان بیماریست که دیدگانم را محروم از دیدن روی محبوب کرده است،

چرا خوب نمی‌شوم؟

چرا نمی‌خواهیم عاشق باشیم؟



ماهنامه فرهنگی سیاسی اجتماعی میعاد

نشریه تولیدات شبکه اجتماعی افسران

چهارشنبه ۳۰ دی ۱۳۹۴

شماره ۳۳

فهرست

| | |
|----|-----------------------------------------|
| ۴ | کلام نور |
| ۵ | سرمقاله |
| ۶ | انتخابات ۹۴ و آینده جمهوری اسلامی |
| ۷ | اینفوگرافیک |
| ۸ | مردم سالاری دینی |
| ۱۰ | غرب وحشی |
| ۱۱ | نگارستان |
| ۱۲ | نصرالله نیجریه |
| ۱۳ | گزارش تصویری |
| ۱۴ | نسل سوم در #بعد از خمینی |
| ۱۶ | وصیتنامه |
| ۱۷ | خاکیان افلاکی |
| ۱۸ | ماموریت در وقت اضافه |
| ۱۹ | کشف حجاب |
| ۲۰ | کاشف الغطاء |
| ۲۱ | کلیپ‌های صوتی تصویری |
| ۲۲ | حق و مسئولیت |
| ۲۴ | آقازاده‌ی ما! (۲) |
| ۲۵ | داستانک |
| ۲۶ | احکام |
| ۲۶ | الگوی نفوذی (نانوشته) |
| ۲۷ | اخبار |
| ۲۸ | مصاحبه |
| ۳۰ | شعر |
| ۳۱ | برگی از بهشت (تسلیم رضای خداوند) |

سردبیر:

Baran

نویسندگان:

Azadandish - Ayaran313 - عبدالرضا شادابی - جواد نعیمی
Khademoshahid - Leilabanoo - Matinemami - Parasto
Parvaz77 - Sobhanshahidi

طراح و صفحه‌آرا:

Matinemami

سایر همکاران:

Afsar0313 - Ighalameshghii - Mamitavanim92
Salam110 - Zaerolhoseine

طراح جلد:

Matinemami

کانال ماهنامه در تلگرام:

@miaad_ir

رایانامه:

nashrie_afsaran@mihanmail.ir

شماره پیامک:

۳۰۰۰۶۱۳۲۹۳۰۵۲۰

ما را در مسیری که شروع کرده‌ایم تنها نگذارید. ایده‌های خود را در مورد مسائل فرهنگی، سیاسی و اجتماعی برای «میعاد» بنویسید. ما به توانایی‌های نسل جوان ایمان داریم. منتظر نقدها و نظرات شما درباره مطالب نشریه هستیم. اگر عیوب ما را به ما هدیه دهید، دوست داشتنی‌ترین برادر ما خواهید بود.

مسئولیت مطالب درج شده در نشریه به عهده نویسندگان آن است. استفاده از مطالب مندرج در نشریه تنها با ذکر منبع مجاز می‌باشد. هیئت تحریریه از مطالب ارسالی استقبال می‌کند.

نشریه «میعاد»، وعده‌گاه سربازان متعهد و دلسوز جبهه جنگ نرم است و خود را جزئی از حرکت مستمر و بالنده انقلاب در رسیدن به تمدن اسلامی می‌داند. به کارآمدی سنت علمی، عملی و رهنمودهای بنیانگذار کبیر انقلاب (س) و رهبر معظم خود (حفظه الله) اعتقاد دارد و راه و روش خود را بر اساس، حفظ، ترمیم و بالندگی انقلاب اسلامی طراحی می‌کند و حرکت خود را با تکیه بر آن منویات بی‌بدیل پیش می‌برد. نگاه ما به تحولات جهانی، نگاهی یکپارچه به گذشته، حال و آینده است، چون معتقدیم بی‌توجهی به هر یک باعث خسران است و استمرار حرکت اصیل اسلامی، در گرو فهم گذشته و مدیریت حال برای تحقق آینده‌ی مطلوب است. این نشریه، درصدد احیاء، تبیین، همسرایی و همگرایی مفاهیم انقلابی اسلام در حوزه‌های سیاسی - اجتماعی برای مخاطب خود است؛ با نگاهی بیشتر و عمیق‌تر...





فرض بکنید که اگر همه کسانی که در رأس بروند پیشنهاد بکنند که فلان آدم را شما وکیل کنید لکن شما به نظرتان درست نباشد جایز نیست بر شما تبعیت کنید. باید خودتان تشخیص بدهید که آدم صحیحی است تا اینکه بتوانید رأی بدهید و مجرد اینکه این آدم خوبی است خیلی، اول وقت نمازش را می‌خواند و نماز شب می‌خواند این برای مجلس کفایت نمی‌کند. مجلس اشخاص سیاسی لازم دارد، اشخاص اقتصاددان لازم دارد، اشخاص سیاستمدار لازم دارد، اشخاص مطلع بر اوضاع جهان لازم دارد. باید تعهد به اسلام باشد و موافقت با جمهوری اسلامی باشد لکن این مسائل هم باشد... مجلس می‌خواهد ایران را در مقابل جهان اداره کند، شما می‌خواهید که یک مجلسی داشته باشید که در مقابل این مهاجماتی که از خارج می‌شود پایدار باشد، یک دولتی را او تعیین کند که در مقابل تهاجماتی که در دنیا واقع می‌شود، فشارهایی که واقع می‌شود در دنیا این بتواند دفاع کند. امام خمینی ۱۳۶۲/۱۰/۲۷



وقتی این فهرست‌ها را می‌آورند که بیایم رأی بدهم، بعضی از آدم‌های این فهرست‌ها را نمی‌شناسم اما اعتماد می‌کنم به آن کسانی که [اینها را] معرفی کرده‌اند، و نگاه می‌کنم بینم آن کسانی که این فهرست را معرفی کرده‌اند چه کسانی هستند؛ اگر دیدم اینها آدم‌های متدین و مؤمن و انقلابی‌ای هستند، به حرفشان اعتماد می‌کنم...؛ اگر دیدم نه، کسانی که این فهرست را داده‌اند کسانی هستند که به مسائل انقلاب، به مسائل دین، به مسائل استقلال کشور خیلی اهمیتی نمی‌دهند، دلشان دنبال حرف آمریکا و غیر آمریکا است، به حرفشان اعتماد نمی‌کنم؛ نگاه کنیم بینیم این فهرستی که به ما داده می‌شود برای مجلس شورای اسلامی یا مثلاً برای مجلس خبرگان، این فهرست را چه کسی دارد به ما می‌دهد. به افرادی اعتماد بکنیم که واقعاً به دینداری اینها و به تقید اینها اعتقاد داشته باشیم؛ بدانیم اینها متدینند، بدانیم انقلابی‌اند، بدانیم در خطند، در راه امامند، امام را واقعاً قبول دارند؛ راهش این است که اینها را بدانیم. اگرچنانچه کسانی اینجور عمل بکنند و این تحقیق را بکنند، کار خودشان را انجام داده‌اند؛ خدای متعال ثواب خواهد داد، ولو اینکه در یک مورد، اشتباه هم اتفاق بیفتد. بیانات مقام معظم رهبری ۱۳۹۴/۱۰/۱۹





آلودگی هوای انتخابات... ماسک بزنید!

به قلم سردین: Baran

راهبردهای عملیاتی شده انتخابات را می‌توان به اختصار چنین بیان کرد:

۱- دعوت از مهره‌های سفید اما وابسته همچون سیدحسن خمینی برای حضور نیابتی.

۲- بازی رسانه‌ای و تبلیغاتی حول چهره‌های مورد نظر پیش از احراز صلاحیت جهت تثبیت لزوم حضور آنان در ذهن مردم.

۳- ایجاد موج بی‌سابقه ثبت نام جهت افزایش تعداد رد صلاحیت‌ها و استفاده از این فضا برای هجمه به شورای نگهبان تا در این بین صلاحیت لیست مورد نظر خود را به تایید برسانند. بطور ویژه اصلاح‌طلبان در سه سطح شناخته شده، میانی و ناشناس و اصولگراهای هم قسم شده با اصلاحات حضور حداکثری یافتند. طی این رکوردشکنی عجیب ۸۰۱ نفر برای مجلس خبرگان و بیش از ۱۲ هزار نفر برای شرکت در انتخابات مجلس شورای اسلامی ثبت نام کردند. در بین ثبت‌نام کنندگان اسامی برخی مجرمان سابقه‌دار هم دیده می‌شد!

۴- اعتراض وسیع و همه جانبه داخلی و خارجی به شورای نگهبان بویژه در سطح رییس‌جمهور و رییس مجمع تشخیص مصلحت، به خاطر رد صلاحیت‌های انجام شده و ایجاد فضای رسانه‌ای برای فشار به رهبری و گرفتن حکم حکومتی برای تایید لیست مورد نظر که از قبل پیش بینی رد صلاحیت آنان می‌شده است.

۵- نادیده گرفتن قوانین نظارت شورای نگهبان و مطالبه حضور همه افراد و سپردن احراز صلاحیت‌ها به مردم و احزاب! (از جمله توسط هاشمی رفسنجانی ۱۳۹۴/۱۱/۱، سیدحسن خمینی ۱۳۹۴/۱۰/۲۵ و روحانی ۹۴/۱۱/۱).

۶- تهدید به التهاب‌آفرینی در صورت عدم تمکین نظام در برابر مطالبات غیرقانونی جهت احراز صلاحیت‌ها.

۷- القای ناراضی مردم از مواضع نظام در امر انتخابات و تهدید به شبیه‌سازی سوریه در ایران و امنیت کردن فضای کشور و زمینه‌سازی برای آشوب احتمالی (مرخصی طولانی مدت مهدی هاشمی از زندان و سفر فائزه هاشمی به آمریکا در همین راستا ارزیابی می‌شود). آنچه که در انتخابات برای دشمنان و دنیاطلبان مهم است غبارآلود شدن فضای کشور با قطب‌سازی‌های متعدد و ایجاد آشوب‌های فکری و حتی اگر لازم شد بحران‌های فرمایشی است تا بتوانند بر رای مردم به نفع خود اثر بگذارند.

با افزایش ریزگردها و درشت‌گردهای مسموم در فضای انتخاباتی کشور، مردم مومن و عزت‌طلب کشور می‌توانند در این فضای آلوده، با استفاده از فیلتر معیارهای ارائه شده از سوی رهبر معظم انقلاب، سالم نفس بکشند و حق را از باطل تشخیص داده و علاوه بر درگیر نشدن در بازی پیچیده دشمن، بدون اتکا به ظواهر ساختگی، به داوطلبینی رای دهند که به معنای حقیقی مومن، انقلابی و شجاع و غیروابسته به کانون‌های قدرت و ثروت هستند (بیانات ۱۳۹۰/۸/۲۴) و به جای گرایش به دشمن، به ملت گرایش دارند (بیانات ۱۳۷۴/۱۲/۰۱). این تشخیص در مورد نمایندگان پیشین با ملاحظه عملکرد قبلی آنان و نوع ارتباط آنان با مراکز قدرت و ثروت و در مورد داوطلبان بدون سابقه با دقت در نوع تبلیغات و ارتباطات آنان با سیاسیون شناخته شده حاصل می‌شود.

پس از پیروزی غیرمنتظره آقای روحانی در انتخابات ریاست جمهوری و آغاز مجدد رویکرد نگاه به بیرون به جای اتکا به ظرفیت‌های داخلی برای حل معضلات کشور، امید تجدیدنظرطلبان به تغییر گفتمان انقلابی حاکم بر کشور بطور فزاینده‌ای بیشتر شد و برنامه‌ریزی پیچیده‌ای برای انجام اینکار عملیاتی گردید که می‌توان سرسلسله آن را در اتاق فرمان‌های قدرت‌های استکباری دید. در این برنامه‌ریزی، خط تحریف امام و آموزه‌های دینی اسلام ناب و تفسیر به رای منویات رهبری و مقابله با احکام و توصیه‌های ولی فقیه در زمینه‌های مختلف از جمله مذاکره با آمریکا، برجام، اقتصاد مقاومتی و انتخابات در عین حمایت لفظی از ایشان به شدت دنبال می‌شود. اما برای تکمیل تغییرات موردنظر علاوه بر قوه مقننه، تسخیر مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان رهبری نیز نیاز است. با نزدیک شدن به ایام انتخابات و آغاز ثبت‌نام و احراز صلاحیت داوطلبان، تحرکات انتخاباتی اهالی سیاست افزایش یافت. اخبار مختلفی از آرایش سیاسی گروه‌ها و اشخاص مختلف شنیده می‌شد که با شروع ثبت نام، بسیاری از آنها عینیت یافت.

بی تردید قدرت‌های استکباری با استفاده از فرصت مناسب بدست آمده در پی تاثیر گذاری بر انتخابات پیش رو برای ورود طیف نزدیک به خود یا زمینه‌سازی برای ایجاد بحران و ناامنی در کشور بوده و هستند. همانطور که گفته شد حاصل تجربه‌های شکست خورده قبلی پایگاه‌های امیدبخش استکبار بویژه اصلاح‌طلبان، پس از دوران خاتمی از جمله در آتش افروزی‌های ۸۸، پروژو خطرناکیست که طی دو سال و نیم گذشته بطور مستقیم یا غیرمستقیم توسط گروه‌های وابسته به غرب به سرعت در حال اجراست.

در این میان استفاده از چهره‌های انقلابی تعدیل شده یا ظاهرالصلاح یا وابسته به بزرگان انقلاب اما هم‌قسم با فتنه‌گران می‌تواند بهترین راه رسیدن به اهداف مورد نظر مخالفان داخلی و خارجی نظام باشد تا اگر لایه‌های شناخته شده رد صلاحیت شوند از لایه‌های پنهان برای دست گرفتن اوضاع استفاده کنند.

وآینده جمهوری اسلامی

انتخابات ۹۴

نویسنده: sobhanshahidi

سیاست خارجی عملی ساخته است. پس برای ادامه کار هر چه مجلس با آن همسو تر باشد کار دولت راحت تر خواهد بود. چرا که با مجلسی همسو می‌تواند پشتوانه‌ای داشته باشد برای سیاست‌های جدید در دوران پس‌ابرجام.

درواقع مجلس تعیین کننده مسیر دولت است و جاده حرکت اتوبوس دولت را خط‌کشی می‌کند بنابراین باید گفت این مجلس دهم است که مسیر بعدی دولت یازدهم را به سرانجام خواهد رساند و دولت باید سیاست‌های هماهنگ با قوانین مصوب این مجلس را اجرا کند و این یعنی نتیجه انتخابات دارای اثری مهم در ادامه کار دولت تدبیر و امید است.

از طرفی مجلس خبرگان نقشی اساسی و کلیدی را در آینده نظام اسلامی خواهد داشت چرا که کسانی را برای مجلس انقلاب انتخاب می‌کنیم که در قانون اساسی وظیفه انتخاب رهبر بر عهده آنها است و آنان کلیدداران این نظام هستند.

میزان حضور مردم در پای صندوق‌های رای برای یک نظام به منزله اعلام مشروعیت و پذیرش آن نزد مردمش است. این بار با مشکلات اقتصادی بسیار و رکودهایی که با بال خیال از روی آنها پریده‌اند بسیاری از بیگانگان چشم بر نتیجه این انتخابات و میزان مشارکت مردم در آن دوخته‌اند و می‌خواهند بدانند که آیا این الگوی اسلامی با وجود مشکلات فراوان هنوز هم در میان مردم از مقبولیت و مشروعیت برخوردار است یا خیر؟ آیا نظام اسلامی ایران هنوز هم کارآمد است و خطرساز برای نقشه‌هایشان یا نه؟

یکی از معماهای مبهم تحلیل گران، این است که آیا دولت تدبیر و امید هشت ساله می‌شود و یا اینکه حسن روحانی اولین رئیس جمهور چهارساله ایران بعد از اصلاحات قانون اساسی خواهد بود؟ نتیجه انتخابات پیش رو سرنخی است برای پاسخ به این معما چرا که چیدمان مجلس دهم تاحدی می‌تواند به ما بفهماند آینده این دولت چیست؟

هفتم اسفند امسال روزی مهم است، روزی مهم برای نظام اسلامی ایران، روزی که در آن و باتوجه به نتایج آن بیگانگان بسیاری از معادلات سیاسی آینده خود را خواهند چید، روزی مهم برای کشورهای اسلامی و نهضت‌های آزادی‌خواه اسلامی در سراسر این جهان است چرا که مسیرشان مسیر انقلاب اسلامی است.

از این رو است که باید با رقابتهایی سالم توسط نامزدهای انتخاباتی و شرکت حداکثری در انتخابات توسط مردم بار دیگر امید دشمنان را بی فروغ کرد.

با نزدیک شدن به انتخابات مجلس شورای اسلامی و خبرگان رهبری، تب بحث‌های انتخاباتی در سراسر ایران بالا می‌گیرد و از این پس شاهد تحلیل‌ها و گمانه زنی‌های مختلفی خواهیم بود. انتخابات پیش رو بسیار مهم و سرنوشت ساز است، زیرا هم برای مردم و نظام اسلامی مهم است و هم برای بیگانگان و دشمنان. اما چرا؟ مگر این انتخابات چه فرقی با دیگر انتخابات‌ها دارد؟

از یک سو جمهوری اسلامی ایران یک ایده نو در تشکیل نظام دینی با حاکمیت مردم بر سرنوشت خود بود که امام خمینی (ره) پس از انقلاب اسلامی، آن را با پشتوانه مردم تاسیس کرد. بعلاوه ایران اسلامی علی‌رغم وجود بحران‌های سخت و دشوار که بسیاری از آنها از سمت دشمن بر ما تحمیل می‌شد و بخش دیگر آن حاصل سوء تدبیر در امور اجرایی و اقتصادی بود با پشت سر گذاشتن آنها تبدیل به یک الگو برای کشورهای اسلامی و حتی کشورهای مختلف غیراسلامی شد و اکنون نیز در نظام بین الملل نقشی اساسی و مهم دارد، الگویی که گفتمانش «نه» گفتن به طاغوت‌ها و بیگانگان و پیمودن راه رسیدن به جامعه‌ای توحیدی است.

در شرایط جدید کشور که بواسطه تاکید دولت بر انجام مذاکرات با آمریکا و تحصیل توافق به قیمت چشم پوشی از برخی داشته‌های ملت ایجاد شده است کشورهای استعماری تاحدی امیدوار به تغییر سیاست‌های کلان جمهوری اسلامی شده‌اند. آنها منتظر نتیجه انتخابات پیش رو هستند تا در مورد محاسبات بعدی خود نسبت به ایران به عنوان الگوی استقلال و پیشرفت زیر سایه حکومت دینی و الهام بخش ملت‌های انقلابی تصمیم بگیرند.

جمهوری اسلامی در برهه‌های مختلف شاهد سکنداری جریان‌های گوناگون سیاسی در ایران بوده است جریان‌هایی با تفکرهای متفاوت در عرصه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی که هر کدام سیاست‌های خاصی را در پیش گرفته بودند، در این انتخابات بعید به نظر نمی‌رسد که گفتمان‌های جدید و جریان‌های سیاسی نو به وجود بیاید. این روزها شاهد تغییرات مختلف در چیدمان‌های سیاسی اصولگرایان و اصلاح طلبان هستیم، از جمله جدایی برخی افراد از خط سیاسی قبل خود و پیوستن به جریان‌های دیگر و یا تشکیل گروه‌های جدید برای شرکت در انتخابات.

مجلس دهم در شرایطی تشکیل خواهد شد که دولت یازدهم ادعا دارد اصلی‌ترین شعار خود را با تکیه بر عملکرد ساختارشکنانه در

«عرض کردیم انتخابات حقّ النَّاس است؛ این حقّ النَّاس امر مهمی است. خوب در زبانها هم زیاد تکرار میشود که فلانی گفته انتخابات حقّ النَّاس است و حقّ النَّاس است و مدام تکرار میشود؛ منتها خوب [باید] به عمق این حقّ النَّاس برسیم. معنای حقّ النَّاس بودن این نیست که فقط آن کسی که پای صندوق نشسته است باید این حقّ النَّاس را رعایت کند... این یکی از مصادیق رعایت حقّ النَّاس است.»

بیانات امام خامنه‌ای ۱۳۹۴/۱۰/۱۴

اغماض نکردن از «صلاحیت‌های قانون»

.....
اگرچنانچه در این مجلس - چه مجلس خیرگان، چه مجلس شورای اسلامی- آدمی باشد که صلاحیت قانونی ورود را نداشته باشد و ما از این اغماض و صرف‌نظر کنیم، رعایت و دقت نکنیم و او وارد بشود

پذیرش نتیجه انتخابات

.....
وقتی که [انتخابات] به یک نتیجه‌ای رسید و مراکز قانونی تصدیق کردند، پذیرش این نتیجه [حقّ النَّاس است]؛ ضدّ آن کاری که در سال 88 انجام شد

دقت در بررسی «فهرستها»

و انتخاب «افراد»

.....
مردم توجه کنند و ببینند که آن فهرستهایی را که پیشنهاد شده است از کجا پیشنهاد شده؛ از طرف چه کسی پیشنهاد شده؛ آن کسانی را که مورد اعتمادند، قابل اطمینانند، قابل اعتمادند انتخاب بکنند



تأیید افراد «صالح»

.....
داوطلبی که نامزد انتخابات میشود اگر آدم صالحی است، ما او را رد نکنیم، میدان بدهیم به اینکه او بیاید

حفظ «امانت» در آرای مردم

.....
آن کسانی که اداره‌ی صندوقها به عهده‌ی آنها است، باید کمال امانت را رعایت کنند؛ یعنی در این زمینه‌ها اندک تخلفی، خیانت در امانت است

رعایت حق در فهرستهای پیشنهادی

.....
آن کسانی که این فهرستها را میدهند، واقعاً رعایت حق را بکنند؛ مسئله‌ی رفیق‌بازی و جناح‌بازی و مانند این چیزها را دخالت ندهند

{حقّ النَّاس}

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار ائمه جمعه سراسر کشور در تاریخ 94/10/14 با تأکید بر مسأله «حقّ النَّاس» در انتخابات فرمودند: «باید به عمق حقّ النَّاس برسیم.»



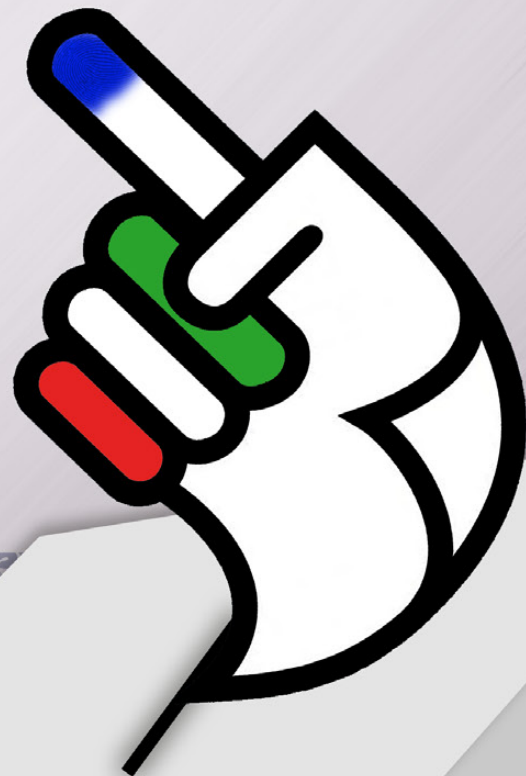
مردم سالاری دینی

تهیه و تدوین: Parasto

هستند. امروز، اگر می‌خواهیم حکومت ما به معنای حقیقی کلمه، اسلامی باشد، بدون ملاحظه باید در همین راه حرکت کنیم» (۱). «دموکراسی» که از حیث معنایی از آشخور «لیبرالیسم» تغذیه می‌نماید و مبتنی بر آموزه‌های سکولاریزم و اومانیزم است، الگوی پیشنهادی بلکه تحمیلی غرب برای کلیه نظام‌ها شده تا سیطره‌ای را که «فرانسیس فوکویاما» برای «لیبرالیسم سرمایه‌داری» وعده داده بود، محقق سازد. این روش از آن حیث که به نفی مبانی الهی و آسمانی سیاست نظر دارد، نمی‌تواند مبنای عمل سیاسی در جوامع «دین محور» - و از جمله اسلامی - قرار گیرد و در واقع روشی به حساب می‌آید که جامع ارزشهای سکولار غربی در اداره جامعه است و لذا هرگونه تعرض و نقد و انتقادی نسبت به آن با حریت «استبداد»، سرکوب شده و سعی می‌گردد تا از آن «تابویی» تازه برای انسان قرن بیست و یکم، فراهم آید» (۲). رهبر معظم انقلاب ضمن اشاره به کاستی‌های فزاینده این روش به طور مشخص، جریان دموکراسی را در آمریکا - مهد دموکراسی - به نقد کشیده با اشاره به انتخابات ریاست جمهوری در این کشور و تلاش آشکار مجامع رسمی و غیر رسمی در تحریف رأی مردم می‌گویند: «آنچه امروزه مسلم می‌شود فهمید این است که این دموکراسی که سردمداران رژیم آمریکا از آن دم می‌زنند، افسانه‌ای بیش نیست، حقیقی نیست. نشانه‌اش این است که این دموکراسی با چنین موانع روبرو می‌شود. یعنی با تقلب‌های بزرگ و تعیین کننده که راه حل و علاجی هم برای آن وجود ندارد» (۳). برای این منظور در حکومت اسلامی، روش نوینی مورد توجه قرار گرفته که نه استبدادی و نه لیبرالی است. مقام معظم رهبری از این روش حکومتی به «مردم سالاری دینی» تعبیر نموده‌اند: «مردم سالاری دینی، دارای دو وجه است که یک وجه آن نقش مردم در تشکیل حکومت و انتخاب مسئولان و وجه دیگر آن رسیدگی به مشکلات مردم است که بر همین اساس، مسئولان باید مشکلات مردم را به طور جدی پیگیری و رسیدگی نمایند» (۴) به عبارت دیگر در نظام «مردم سالاری»، نه تنها در حضور توده‌ای میلیونی بر سر صندوقهای رأی،

مردم سالاری دینی، اصطلاح تازه‌ای در گفتمان سیاسی دنیا است که در بستر مبانی سیاسی اسلام و متأثر از آموزه‌های نبوی و علوی، روییده و بر آن است تا ضمن پاسداشت حقوق مردم در حوزه سیاست و اداره امور جامعه و پرهیز از الگوهای حکومتی استبدادی، رعایت اصول و مبانی ارزشی را بنماید و بدین ترتیب نظام اسلامی را از الگوهای سکولار غربی تمییز دهد. هر الگوی حکومتی، مبتنی بر روشی است که در آن، حد و حدود حاکمان و مردمان، تعریف شده است. بر این اساس حکومت اسلامی نیز نسبت به مقوله «روش» باید حساس باشد و چنان نیست که بتوان از هر روشی برای اداره جامعه اسلامی بهره جست. مقام معظم رهبری با اشاره به «ارزش محور» بودن، روشها از دیدگاه اسلامی، بیان داشته‌اند:

«روشهایی که برای کسب قدرت و حفظ آن به کار گرفته می‌شود، باید روشهای اخلاقی باشد. در اسلام، کسب قدرت به هر قیمتی وجود ندارد... در اسلام روشها خیلی مهم‌اند. روشها مثل ارزشها



نوعی ارتباط معنوی برقرار باشد که مردم، مجریان و نظام حاکم را تحقق بخش خواستها، آرمانها و اهداف عالی خویش ببینند و بدان «عشق» ورزیده و موضوع «ایمان» مردم است. (۸)

مردم سالاری دینی چنانکه جانب رضایت‌مندی مردم را نگاه می‌دارد از چارچوب مبانی و اصول قانونی جامعه نیز پا را فراتر نگذاشته و در واقع بسان خواست مردم مسلمان تجلی می‌نماید که خواهان تحقق آرمانهای عالی‌ه اسلامی هستند. این گونه از مردم سالاری که با ارزش محوری، عین می‌باشد، پشتوانه عظیم برای حکومت اسلامی به شمار می‌آید که امکان رفع کلیه مشکلات و کاستی‌ها را در راستای تحقق یک جامعه اسلامی اصیل می‌داند و این واقعیتی است که نظام جمهوری اسلامی ایران به عنوان نظامی که مردم سالاری را به عنوان بازوی مؤید «ارزش‌مداری»، مد نظر داشته، از ابتدای پیروزی انقلاب و تأسیس نظام جمهوری اسلامی تا به امروز به کرات مشاهده کرده است. حضور گسترده مردم در صحنه‌های قیام، انتخابات، جنگ، راهپیمایی‌ها... عامل مؤثری در حفظ این انقلاب بوده است و آخرین نمونه آن را در جریان غائله کوی دانشگاه می‌توان مشاهده کرد. آنجا که پشتوانه مردمی حکومت، راه آشوب بر آشوب طلبان، سد کرد و بار دیگر نمودی از مردم سالاری در جامعه ما مشاهده شد.

بدین ترتیب «مردم سالاری دینی» به عنوان بدیلی مناسب برای دموکراسی غربی در حکومت اسلامی مطرح است. یک الگوی رفتاری که در آن مردم مینا و محور هستند و حکومت، نخبگان و مسئولان موظف هستند نسبت به ولی نعمت خود، سپاسگزار و خدمتگزار باشند، در عین حال مردم نیز با پای بندی به اصول و مبانی ارزشی، سعی در تحقق آرمانهای اسلامی و حاکمیت اندیشه اسلامی را دارند.

پی نوشت ها

- ۱- روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۷ اسفند ۱۳۷۹.
- ۲- در این زمینه می‌توان به اندیشه فرانسویس فوکویاما اشاره داشت که از لیبرالیسم به عنوان ایدئولوژی آخرالزمان و پایان ایدئولوژی‌ها یاد کرده و این پس از فروپاشی بلوک شرق دیگر هم‌اورد برای آن نمی‌توان سراغ گرفت.
- ۳- روزنامه کیهان، ۲۵ آبان ۱۳۷۹
- ۴- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱ آذر ۱۳۷۹.
- ۵- روزنامه کیهان، ۲۵ آبان ۱۳۷۹.
- ۶- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۰ اسفند ۱۳۷۹.
- ۷- در خصوص مطالعه اصول و مبانی مکتب و جایگاه مردم در آن رک: حسین بشریه، جامعه‌شناسی سیاسی، تهران، نی، ۱۳۷۴؛
- ۸- روزنامه اطلاعات، ۲۶ مرداد ۱۳۷۹.

تجلی می‌یابد بلکه افزون بر آن، در تلاش پیگیر نظام در خدمتگزاری به مردم نیز قابل رؤیت است.

در این تعریف از مردم سالاری، مردم شأن و منزلتی برتر از آنچه در دموکراسی غربی دیده شده، می‌یابند. در این تعریف از مردم سالاری، ملل فرهیخته و آگاه، مستحق «توجه» و لحاظ شدن آرا و اندیشه‌هایشان در امر حکومت می‌باشند لذا حکومت اسلامی که نتیجه قیام آگاهانه مردمی شجاع و غیرتمند است، نمی‌تواند «مردم سالار» نباشد. تاکید مقام معظم رهبری بر عنصر آگاهی و ضرورت توجه و پیروی از آرمان‌های عالی مردم از سوی مسئولان و حتی روشنفکران، دقیقاً به همین خاطر است که «ملت ایران نیرومند و تواناست. چرا؟ چون ملتی است دارای هوش، استعداد و دارای نسل بزرگی از جوانان در این دوران معاصر که خود، سرمایه بسیار عظیمی است... ملت مؤمنی است.» (۵)

«دشمن در تلاش است با سلب اعتماد به نفس دانشگاهیان، تئوری‌های ترجمه‌ای را در ذهن آنها رسوخ دهد و آنان را از مردم جدا سازد که مهمترین راه مقابله با این تلاشها، حفظ ارتباط و پیوستگی فکری دانشجویان و دانشگاهیان با مردم و همسک هر چه بیشتر آنها به ریشه‌ها و اصول انقلاب اسلامی است.» (۶) تمجید رهبری از ملت و توصیه ایشان به نخبگان جامعه به پیوستگی و نزدیکی با توده‌ها، وجه بارز این مردم سالاری است.

تاکید بر هوشیاری و پیشگامی مردم در مقایسه با مسئولان و نخبگان، در واقع بیانگر جوهره «مردم سالاری دینی» می‌باشد که نزد اندیشگاران غربی - بویژه پیروان مکتب نخبه‌گرایی - چندان پذیرفته نیست. «مردم از همه مسئولان، جناحها و احزاب جلوتر هستند.» (۷) در نظام اسلامی، رأی، خواسته و عواطف مردم، تأثیر اصلی را دارد و نظام اسلامی بدون رای و خواست مردم تحقق نمی‌یابد.

غالباً در تحلیل‌های مربوط به «مردم سالاری» به تعداد و دفعات برگزاری انتخابات در یک واحد سیاسی اشاره می‌شود و از میزان رجوع نظام سیاسی به آرای عمومی، قوت و یا ضعف «مردم سالاری» را در آن نظام، نتیجه می‌گیرند. حال آن که، «مردم سالاری دینی» آن گونه که در کلام رهبری مورد توجه قرار گرفته، چیزی فراتر از برگزاری انتخابات است و «تحقق خواست واقعی» مردم را نیز شامل می‌شود. به عبارت دیگر، مردم سالاری دینی دارای دو بعد است:

۱) بُعد تأسیسی: بدین معنا که مردم با حضور در صحنه و در کنار صندوقهای رأی، در بنای نظام سیاسی و تعیین افرادی که باید مناصب و مسئولیت‌ها را عهده‌دار گردند، سهیم شده و در شکل‌دهی به امور اجرایی کشور، مشارکت می‌جویند.

۲) بُعد تحلیلی: بدین معنا که بین نظام سیاسی تأسیس شده و مردم،

MK-ULTRA

فرد، موادی که در فرد سردرگمی روانی ایجاد می‌کنند طوریکه وی نتواند در مورد موضوع مورد بازپرسی داستان‌سازی نماید، موادی غیر قابل ردیابی که کارآیی کلی فرد را به مقدار زیادی پایین می‌آوردند، موادی برای تضعیف موقتی حواس فرد مانند حس شنوایی یا بینایی. سازمان سیا با استخدام یک روانشناس اسکاتلندی به نام «دونالد ایون کامرون» دامنه فعالیت‌های خود را به کانادا نیز کشاند. وی بین سال‌های ۱۹۵۷ تا ۱۹۶۴ در دانشگاه مک گیل بر روی پروژه MK-Ultra کار کرده و علاوه بر LSD در حوزه‌هایی چون داروهای فلج‌کننده و تکانش‌های الکتریکی با ۳۰ تا ۴۰ برابر قدرت الکتریکی معمول به آزمایش پرداخت.

وی بیماران را از طریق کما به مدت گاهی چندین هفته به حالت اغما فرو برده و در همین حین برای آنها نوارهایی حاوی اصوات مختلف یا جملاتی که مداوماً تکرار می‌شدند پخش می‌کرد. آزمایش‌های وی باعث گردیدند که قربانیان دچار بی‌خوابی، فراموشی، ناتوانی در تکلم، فراموشی والدین شوند. برخی از قربانیان فکر می‌کردند که بازجوها والدین آنها هستند. جالب اینکه وی اولین رئیس «مجمع جهانی روانپزشکی» و همچنین رئیس انجمن‌های روانپزشکی آمریکا و کانادا شد. تحقیقات کامرون تنها در مورد کنترل ذهن و یا شستشوی مغزی نبود بلکه وی سعی داشت یک سیستم علمی برای استخراج اطلاعات از افراد مقاوم طراحی نماید.

در مجموع ۱۴۹ پروژه فرعی که سازمان سیا طی پروژه MK-Ultra اجراء می‌کرد، ۸۰ دانشگاه آمریکایی و کانادایی، ۱۲ بیمارستان و مرکز بهداشتی، سه زندان، ۱۵ بنیاد تحقیقاتی یا شرکت شیمیایی و دارویی فعالیت داشتند. در این پروژه ۱۸۵ محقق و دانشمند مشغول به کار بودند.

به اعتقاد برخی محققین و تاریخ‌نگاران، این پروژه هم‌اکنون با عنوانی دیگر و با روش‌های نوین کنترل ذهن به کار خود ادامه می‌دهد. هم‌اکنون اهداف این پروژه دیگر جاسوسان و رهبران کشورها نیستند بلکه هدف کنترل جهانی ذهن است.

آزمایشگاه‌های این پروژه نوین که برخی آن را با عنوان «پروژه سلطنتی» (Monarch Project) می‌خوانند رسانه‌ها و صنعت سرگرمی و بالاحص موسیقی است. بسیاری از افراد فعال در عرصه موسیقی جهانی که هر یک به صورت فزاینده‌ای سبک‌هایی جدید در تولیدات خود استفاده می‌کنند و حتی به سمت توزیع مخدرهای صوتی قدم برداشته‌اند، تحت کنترل نخبگانی قرار دارند که فکر تسلط بر جهان را در سر خود می‌پروراند البته نه تسلطی آشکار بلکه نوعی استیلا فرهنگی بر اذهان و قلب‌های مردم.

پروژه MK-ULTRA اسم رمز یک برنامه آزمایش انسانی پنهانی و غیرقانونی دولت آمریکا بود که توسط «دفتر اطلاعات عملی» (Office of Scientific Intelligence) سازمان سیا در اوایل دهه ۱۹۵۰ آغاز و اداره گردید. مطالب منتشره نشان می‌دهند که در پروژه MK-Ultra روش‌های بسیاری برای دستکاری حالات روانی افراد و تغییر کارکردهای مغزی آزمایش شده‌اند. این روش‌ها شامل: تجویز مخفیانه دارو و دیگر مواد شیمیایی، هیپنوتیزم، محرومیت حسی، انزوا، سوءاستفاده‌های جنسی و همچنین انواع شکنجه‌ها بودند. پروژه MK-Ultra در سال ۱۹۷۵ و طی تحقیقات «کمیته کلیسا» کنگره آمریکا از اسناد محدود باقی مانده فاش گردیدند.

برخلاف ادعای سازمان سیا مبنی بر توقف این پروژه، ویکتور مارچتی که به مدت ۱۳ سال در سازمان سیا مشغول به کار بوده در مصاحبه‌ای که در سال ۱۹۷۷ داشت اعلام نمود که جریان توقف پروژه MK-Ultra تنها یک «داستان پوششی» برای سایر کارهای سیا است.

سناتور تد کندی در سال ۱۹۷۷ اعلام داشت: «قائم‌مقام سیا اعلام داشته که سی دانشگاه و مؤسسه در این برنامه، آزمایش‌هایی گسترده شامل آزمایش‌های دارویی پنهانی بر روی شهروندان نامطلع آمریکایی و خارجی، انجام داده‌اند از جمله تزریق LSD (یک ماده توهم‌زای بسیار قوی) به افراد، بدون رضایت قبلی آنها.

سازمان سیا بالاخص علاقه‌مند به کنترل رهبران سیاسی جهان از طریق این فنون بود و چندین طرح را برای تزریق دارو به فیدل کاسترو اجراء نمود. در سال ۱۹۶۴ سعی شد تا داروی راستگویی تولید شده و بر روی جاسوس‌های دستگیر شده شوروی آزمایش گردد. طی یکی دیگر از آزمایشات این پروژه سعی شد امواجی برای پاک کردن ذهن دشمن ایجاد شوند و یکی دیگر از اهداف تعریف شده، تولید تروریست‌های روانی بوده است.

یکی از اسناد پروژه MK-Ultra در مورد اندازه و وسعت مطالعات آزمایشگاهی درباره مواد «شیمیایی، بیولوژیکی و رادیولوژیکی» مرتبط با کنترل ذهن اشاره دارد، که برخی از آنها عبارتند از: موادی که تفکر غیرمنطقی و رفتار تکانشی را در فرد ایجاد می‌کنند تا حدی که وی در سطح جامعه بی‌اعتبار می‌گردد، موادی با اثر ایجاد علائم موقتی بیماری تا فرد بتواند در مورد مریضی مذکور قمارض نماید، موادی برای سهولت القاء هیپنوتیزم و افزایش کاربری آن، روش‌های فیزیکی برای ایجاد شوک و گیجی در یک مدت زمان طولانی، موادی با اثر ایجاد ناتوانی‌های فیزیکی مانند فلج پاها یا کم‌خونی حاد، موادی با اثر ایجاد خوشحالی «خالص» در فرد، مواد تغییر دهنده ساختار شخصیتی

نصرالله نيجريه

همچنين دارنده الميزان، پرتيرازترين روزنامه نيجريه است که به زبان هوسايي منتشر می‌شود.

به گفته دکتر اقبال صديقي، الزکراکی به عنوان رهبر بالفعل جنبش اسلامي در آفريقا بارها مخالفت خود را با سياست‌های آمريکا و رژيم صهيونيستي نشان داده است: «زمانی که اسرائيل شصتمين سال اشغال فلسطين را جشن می‌گیرد، ما در حال عزاداری هستيم. زیرا حقيقت این است که دولت اسرائيل بر پایه تروریسم بنا شده است و چیزی که برای شما نیست، به شما تعلق ندارد.. بی‌ترديد اسرائيل و متحدانش سقوط خواهند کرد.»

با بیشتر شدن شمار شيعيان نيجري، فشارها بر شيعيان بیشتر شد و فعاليت‌های ضد شيعی نیز توسط صهيونيست‌ها و وهابيون قوت گرفت. از این رو راهپيمايي روز قدس سال گذشته نيجريه که شيعيان و اهل تسنن زیادی در آن حضور داشتند با برخورد شديد ارتش این کشور مواجه شده و موجب درگیری‌های سنگینی بين ارتش و مسلمانان شد. در جريان این حملات بیش از ۳۰ تن از شيعيان نيجريه و سه تن از فرزندان این عالم بزرگ به شهادت رسیدند. بامداد یکشنبه ۲۲ آذرماه نیز ارتش نيجريه با هجوم به محل‌های حضور شيعيان ده‌ها تن از اعضای ارشد جنبش اسلامي نيجريه را به شهادت رساندند. وقتی خبر شهادت فرزندان شيخ زکراکی را به وی دادند گفت: «این مصائب در مقابل مصائب ابا عبدالله چیزی نیست». او با سخنان منطقی و متين خود اجازه نداد در نيجريه فاجعه و خونريزی اتفاق بیافتد. در آخرين حمله ارتش این کشور به شيعيان، شيخ ابراهيم زکراکی دستگیر و معاون، همسر و تنها پسرش نیز به شهادت رسیدند و هنوز اخبار دقیقی از وضعیت این عالم بزرگ و شيعی که به «نصرالله نيجريه» نیز شهرت دارد در دست نیست.

«مهدی رضوانی» سازنده مستند «خون جون» در مصاحبه خود درباره روز وداعش با شيخ زکراکی گفت: در روز خداحافظی و وداع جمله ای را به امانت نزد من سپرد تا به برادران شيعه در ايران برسانم.

او در لحظه خداحافظی وقتی دستانم در میان دستان نورانی و به ظاهر سیاه او بود، گفت: سلام مرا به برادران شيعه سفید پوست، خوش بو و خوشرو در ايران برسان و به آنان بگو از ما سپاهان در سپاه آبی عبدالله بیش از یک نفر نبود و او کسی نبود جز جناب «جون ابن حوی» غلام سپاه حضرت سيدالشهداء علیه السلام که ذکر رجز «أمیری حسين و نعم الأمير» از او به یادگار ماند. اما امروز به برادران شيعه سفید روی ما در ايران بگو ميليون ها «جون» زن و مرد اینجا در نيجريه در لشکر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف آماده ليک گفتن به آن قيام عظيم هستند و تا آخرين قطره خون خود ثابت قدم می‌مانند.

بعد از شيخ نمر رهبر شيعيان عربستان، این بار نوبت شيخ ابراهيم زکراکی رهبر شيعيان نيجريه بود که دستگیر شود تا شيعيان این کشور نیز هر لحظه منتظر خبر شهادت رهبرشان باشند تا همچنان به شهادت رساندن مظلومانه شيعيان دردناک‌ترين خبر این روزهای جهان اسلام باشد.

ابراهيم يعقوب الزکراکی در پنجم ماه می ۱۹۵۳ در شهر زاريا واقع در شمال نيجريه به دنیا آمد. تحصيلات ابتدایی خود را در مدارس قرآنی و معارف و مراکز سنتی آموزش آن شهر تاريخی گذارند. سپس وارد دانشگاه احمدوبلو در زاريا گرديد و در سال ۱۹۷۹ مدرک کارشناسی در رشته اقتصاد را گرفت. وی یکی از اعضای فعال جامعه اسلامي دانشجویان هم در دانشگاه و هم در سطح ملی بود. مدرک وی توسط هیئت رئیسه دانشگاه به خاطر فعاليت‌های اسلامي ایشان سلب شد. در سال ۱۹۷۸، زمانی که او دبیرکل جامعه اسلامي دانشجویان بود، مغز متفکر تمام تظاهرات گسترده‌ای تلقی شده بود که در حمايت از قرار دادن شريعت در قانون اساسی نيجريه برگزار می‌شد. ابراهيم زکراکی که پس از انقلاب اسلامي ايران و ایجاد حکومت اسلامي به رهبری امام راحل به ايران سفر و با امام خمینی ملاقات می‌کند. او در این باره می‌گوید: «قبل از آمدن به ايران، به عنوان یک مسلمان به فعاليت‌هایی مشغول بودم و آرزو داشتم کشور اسلامي داشته باشيم و بتوانيم کنترل کشور خود را به دست بگیريم؛ چون حکومت ما کمونيستی بود. اما بعد از اینکه از ايران دیدن کردم، تمام دیدگاه‌هایم تغيير کرد. ما به یک الگوی ایرانی و تعليمات امام خمینی (ره) احتیاج داشتيم.»

پس از آن وی به عنوان رهبر برجسته شيعيان و رئیس جنبش اسلامي نيجريه مطرح شد و سال‌های زیادی را صرف تبليغ کرد و نتیجه فعاليت وی در اوایل دهه هشتاد ميلادی تبدیل به یک نهاد مستقل شد که بیش از سیصد مدرسه ابتدایی و راهنمایی در نقاط مختلف و به طور عمده در بخش شمالی این کشور را اداره می‌کند؛ این جنبش







نسل سوم در

پنج بعد از خمینی

نویسنده: matinemami

انسان همواره در حال حرکتی است که تحولات اجتماعی و تاریخی را رقم می‌زند و دگرگونی‌های تاریخ را گاه به سوی رشد و تعالی و گاه به افول و تباهی سوق می‌دهد و نسل‌ها پی‌درپی می‌آیند و فاصله و تفاوت‌ها را پدید می‌آورند. فاصله‌هایی که اگر در نقاط ضعف و کاستی‌ها باشد، پسندیده و برای اعتلای جامعه ضروری است، اما اگر آن فاصله‌ها از ویژگی‌های مثبت و ارزنده صورت گیرد، بی‌تردید سبب زوال و افول جوامع می‌گردد.

ما نسلی هستیم که در دوران حکومت اسلامی زاده شده، زیسته است، به بلوغ فکری و اجتماعی رسیده و حضور در عرصه‌های گوناگون اجتماعی را تجربه می‌کند و به جرأت می‌توان گفت که تا حدی حضور موثر خود را در تاریخ انقلاب تحقق بخشیده است و بدون شک در تفکر و نگرش، تفاوت‌ها و فاصله‌هایی با نسل گذشته - که در پیروزی انقلاب نقش ایفا کرد - دارد.

نسلی که نه نهضت و انقلاب را به رهبری امام خمینی (ره) را آغاز کرد و نه مانند نسل دوم؛ در پیروزی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس مشارکت داشت. اما نسلی هستیم که پس از انقلاب اسلامی متولد شده و با پشت سر گذاشتن دوران کودکی و نوجوانی در راه رشد انقلاب گام به گام قدم بر می‌دارد، هرچند همیشه درباره هویت و شناخت انقلاب اسلامی پرسش می‌کند.

نسل سوم از انقلاب اسلامی، چون دشواری‌های سال‌های پس از انقلاب را از دوران کودکی تاکنون با چشم دیده و سنگینی بار مشکلات را بر دوش حس کرده، در جستجوی سبک بهتری برای زندگی و الگوی کارآمدتری برای اداره نظام انقلاب اسلامی بوده است. این نسل، انقلاب را در مقایسه مبانی فکری و خان حاکمان پیش و پس از انقلاب و با استفاده از منابع تاریخ معاصر شناخته است و با این شناخت، از دلیل تغییر نگرش در آرمان‌ها و تغییر آرمان‌های انقلاب در باور، رفتار و گفتار نسل اول از انقلاب، سوال می‌کند.

بی‌تردید، این جستجو و پرسش‌های نسل سوم، نمود فاصله‌ای تاریخی از نسل پیش از خود است که هرچند متاسفانه عده‌ای آن را به فاصله نسل سوم از انقلاب اسلامی تعبیر کرده‌اند و دلیل بی‌اعتمادی انقلاب به این نسل بیان می‌کنند. در حالی که شاخص‌های فاصله نسل‌ها با شاخص‌های فاصله از انقلاب متفاوت است. جوانان در جستجوی



هویت انقلاب هستند و از چپستی انقلاب اسلامی و چرایی وقوع آن سوال می‌کنند تا از انقلاب و جامعه انقلابی تصور درستی پیدا کنند. امروزه وقتی در مقایسه با آرمان‌های انقلاب و مبانی بنیان‌گذار انقلاب (ره) و رهبر انقلاب (حفظه الله) میل به وابستگی و ارتباط با استکبار را در خواص نسل اول و دوم انقلاب می‌بینند، اگر پاسخ درست و کافی به آنان داده نشود، از ارزش‌ها و آرمان‌ها و حتی تاریخ خود فاصله پیدا می‌کنند.

هرچه فاصله تاریخی دفاع مقدس تا زندگی حال حاضر بیشتر می‌شود، نسل سوم از انقلاب اسلامی نیز از قشری در بدنه مسئولین انقلاب دور می‌شود که انقلاب را که بر پایه اندیشه‌ها و ارزش‌های بنیادین انقلاب اسلامی و بنیانگذار جمهوری اسلامی پذیرفته‌اند و خواهان دگرگونی هنجارهای جامعه و هماهنگ سازی آن‌ها با ارزش‌ها و اهداف عالی انقلاب هستند. اما زمان می‌گذرد و جامعه را با قشری از مسئولین لمس می‌کنند که انقلاب و اندیشه‌ها و ارزش‌های بنیادین آن را پذیرفته‌اند ولی هرجا که تضادی میان آنها و منافع شخصی باشد، بی‌درنگ از آن می‌گذرند. گروهی که تاریخ نشان داده به حسب شرایط، اموری را در حرکت انقلاب دنبال می‌کنند که در معادلات مالی و دنیوی به نفع‌شان است. نسل سوم وقتی تضادهای زندگی این قشر از مسئولین و عدم تقیّد آن‌ها را به آرمان‌های انقلاب اسلامی می‌بیند و هم‌صدایی آنها را با کسانی که ارزش‌ها

و آرمان‌های انقلاب را به گونه‌ای غربی تفسیر می‌کنند، می‌شنود، در ماهیت و حقیقت انقلاب تأمل می‌کند. در این جستجو، پرسش و تأمل، آن عده از نسل سوم پای در حرکت رو به رشد و تعالی جامعه می‌گذارد که تنها به بازخوانی مبانی، اندیشه‌ها و تاریخ انقلاب اسلامی و دلایل گذر تاریخی مردم ایران از حیات طبیعی به حیات طیبه، روی می‌آورد. و تاریخ بعد از انقلاب را در منابع زنده تاریخ معاصر مطالعه می‌کند و چرایی تغییر الگو و مفهوم اقتدار، عزت و خدمت می‌جوید.

قشری که در بنده نظام اسلامی، امور را با منافع شخصی می‌سنجد، یا به انقلاب و ارزش‌ها تقیّدی ندارد، با چهره مصلحت‌اندیشی، سعی دارد جامعه را از پسوند انقلابی و مستکبر ستیزی پاک کند و با تحریف تاریخ، تغییر مبانی و مخدوش کردن آن با خاطرات و نقل قول‌های شاذ، انقلاب اسلامی پست مدرن را باز تولید و به نسل سوم معرفی کند. در تفکر انقلاب اسلامی پست مدرن، منشأ اقتدار، غرب و جهانی شدن است و مشروعیت نظام را مقبولیت بین‌المللی و استکبار می‌داند، تا تحول ساختاری و بنیادین را در انقلاب اسلامی کلید بزند و با این تحول است که همان نیروی سلطه‌گر دوران پهلوی، برای از سرگیری استیلای خود، راه نفوذ و حضور تازه و فعالانه می‌یابد.

اما نسل سوم، در بعد از رحلت بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، توانسته با بازخوانی تاریخ پر فراز و نشیب انقلاب، تا حدی علل ظهور، رشد و ماهیت قشر مصلحت‌اندیش و منفعل در مقابل تفکر مادی و پر زرق و برق غرب را به تصویر بکشد و هویت انقلاب اسلامی را در مقایسه با انقلاب تحریف شده و باز تولید شده، به هم نسل‌های خود بشناساند. ما می‌توانیم با نمایش بی‌غبار و بیان وقایع مبهم و ناگفته تاریخ انقلاب اسلامی، ظرفیت‌های پنهان و چالش‌های پیش روی انقلاب را آشکار کنیم و غبار اوهام، بداندیشی، مخاطره‌انگیز و فتنه‌ساز را از آن برداریم و نظام اسلامی را در مسیر تحقق تمدن اسلامی، بر اساس مبانی و اندیشه‌های انقلاب اسلامی، متحول و دگرگون سازیم و در این راه نشان خواهیم داد، فاصله ما از نسل‌های گذشته، نه تنها یک فاصله طبیعی و تاریخی است، بلکه در تفکر و نگرش انقلابی، فاصله‌ای رو به تعالی داریم.



بعد از خمینی

مقاومت شهادت



ارسال شده توسط: mamitavanim92

بسم الله الرحمن الرحيم

...اولین وصیت من به شما راجع به نماز است چیزی را که فردای قیامت به آن رسیدگی می کنند نماز است پس سعی کنید در حد توانتان نمازهایتان را سر وقت بخوانید و قبل از شروع نماز از خداوند منان توفیق حضور قلب و خضوع در نماز طلب کنید.

به همه شما وصیت می کنم همه شما آنکه این صفحه را می خوانید قرآن را بیشتر بخوانید بیشتر بشناسید بیشتر عشق بورزید بیشتر معرفت به قرآن داشته باشید بیشتر دردهایتان را با قرآن درمان کنید سعی کنید قرآن انیس و مونس‌تان باشد نه زینت دکورها و طاقچه های منزلتان بهتر است قرآن را زینت قلبتان کنید.

به دوستان و برادران عزیزم وصیت می کنم کاری نکنند که صدای غربت فرزند فاطمه (س) (مقام معظم رهبری) را که همان ناله غریبانه فاطمه (س) خواهد بود به گوش برسد. همان طوری که زمان امام خمینی (ره) گوش به فرمان بودید و در صحنه های انقلاب حاضر و آماده ایثار از جان و مال و زندگی جهت هر چه بارورتر شدن درخت تنومند اسلام ناب که ۱۴۰۰ سال پیش بدست توانای خاتم پیغمبران محمد بن عبدالله (ص) کاشته شده و با خون فاطمه زهرا (س) بین درب و دیوار و عرق خون آلود پیشانی حیدر، جگر پاره امام حسن (ع) در میان تشت، بدن پاره پاره و رگ بریده حلقوم ابی عبدالله (ع) و خون های جاری شده از ابدان شهدای کربلا و کربلای ایران

آبیاری شد باشند.

نگذارید که آن واقعه تکرار شود! همان واقعه ای که بی بی فاطمه زهرا (س) نیمه دل شب دست به دعا بردارد که اللهم عجل وفاتی، همان واقعه ای که علی (ع) از تنهایی با چاه درد دل کند، همان واقعه ای که امام حسن مجتبی (ع) را سنگ بزنند و آنقدر مظلوم و غریبش کنند که بعد از مرگش جنازه اش را تیرباران کنند، همان واقعه ای که امام حسین (ع) فریاد بزند «هل من ناصر ینصرنی» فقط پیکرهای بی سر شهدا تکان بخورد، همان واقعه ای که امام صادق (ع) بفرمایند: به تعداد انگشتان یک دست یار و یاور واقعی ندارم... و نهایتا همان واقعه ای که امام خمینی بگویند: من جام زهر نوشیده ام و ناله غریبانه «اللهم عجل وفاتی» او، فاطمه (س) را به گریه آورد. شیعه ها، مسلمان ها، حزب اللهی ها، بسیجی ها و ... نگذارید تاریخ مظلومیت شیعه تکرار شود. بر همه واجب است مطیع محض فرمایشات مقام معظم رهبری که همان ولی فقیه می باشد، باشند چون دشمنان اسلام کمر همت بستند تا ولایت را از ما بگیرند و شما همت کنید متحد و یکدل باشید تا کمر دشمنان بشکند و ولایت باقی بماند.

به شب اول قبرم نکنم وحشت و ترس

چون در آن لحظه حسین است که مهمان من است

الحقیر سید مجتبی علمدار

خاکپایان افراد

ارسال شده توسط: zaerolhoseine

وقتی می‌دید جریان‌های انحرافی، مصدق را به جای آیت‌الله کاشانی که به حق رهبر اساسی نهضت ملی شدن صنعت نفت بود قرار می‌دادند، ایستادگی می‌کرد، ملی‌گرایان تبلیغ می‌کردند تا آمریکا، محبوب کشورمان در مبارزه با انگلستان باشد اما شهید آیت تلاش می‌کرد این توطئه‌ها را افشا کند.

از سال ۱۳۴۲ همگام با قیام مردمی به رهبری حضرت امام خمینی بر علیه نظام شاهنشاهی فعالیت نمود و با پیروزی انقلاب اسلامی با عمل به رسالت انقلابی خود، در تصویب اصل ولایت فقیه در قانون اساسی نقش مهمی را ایفا کرد. در نطق رادیویی خود به مناسبت انتخابات ریاست جمهوری سال ۵۸ می‌گوید: «رئیس جمهور نه پودر رختشویی است و نه روغن نباتی و نه نظایر آن که به ضرب پوستر و عکس و پلاکاردها در مغز مردم فرو کنند. این همان غربزدگی و سبک تبلیغات غربی است که ما دچار آن شده‌ایم. این همان چیزی است که متفکران و محققان حتی غربی‌ها آن را دلیل ظاهری بودن دموکراسی غربی می‌دانند، نه واقعی بودن آن؛ زیرا وقتی بنا بر تبلیغات شد و نه ارشاد، کسی برنده است که پولدارتر است»

شهید آیت در دوران خدمت در مجلس، چهره بسیاری از منافقین و افراد وابسته به غرب از جمله بنی‌صدر را افشا کرد و علیرغم کوتاه بودن دوره زندگی پارلمانی الگوی برجسته‌ای از یک نماینده مؤمن و متعهد و انقلابی محسوب می‌شود.

«در جلسه شب هفتم تیر شورای مرکزی حزب [جمهوری اسلامی] و ساعاتی قبل از انفجار، وقتی حرف وزارت خارجه آقای موسوی مطرح شد، گفتم: من حتماً مخالفت می‌کنم و علیه او صحبت خواهم کرد. دوستان آقای موسوی برآشفتمند و با تندی با او برخورد کردند.. گفتم: اگر شورای مرکزی هم به وزیر خارجه شدن ایشان رأی بدهد، من قطعاً مخالفت خواهم کرد. آنها هیاهو کردند که این رأی تشکیلاتی است و باید آقای آیت که عضو شورای مرکزی است این تبعیت تشکیلاتی را داشته باشد. به صراحت گفتم: من آقای مهندس موسوی را شاگرد پیمان می‌دانم و خط پیمان خط امریکاست و آقای موسوی در نهایت به خط امریکا می‌رسد. فلذا من وظیفه شرعی و الهی می‌دانم که به هر نحوی شده است با ایشان مخالفت کنم. ولو اینکه ایشان رأی بیاورد. من باید وظیفه‌ام را انجام بدهم تا در تاریخ بماند. در اینجا وظیفه من گفتن است. بعضی از دوستان می‌گفتند باید تصمیم بگیریم تا ایشان را به دلیل این موضع اخراج کنیم!» (بادامچیان)

گفته بود: «درست است که این آقا [موسوی].. خودش و همسرش مقابل مجلس خبرگان قانون اساسی می‌ایستند. بنابراین، این دو نفر به احتمال قوی در مسیری خواهند رفت که در آینده اگر خودشان را اصلاح نکنند، جلوی نظام هم می‌ایستند» پس از مخالفت اولیه شهید آیت با وزارت امور خارجه موسوی، هاشمی رفسنجانی به شدت به وی اعتراض می‌کند که سبب عدم حضور آیت در جلسات شورای مرکزی حزب می‌شود.

«سخت بیمار بود و چند روز [در مجلس] غیبت داشت اما تمام اسناد خودش را جمع و جور کرده و در پوشه گذاشته بود تا به مجلس بیاید، همسرش می‌گوید: «از آیت خواستم به مجلس نروم و استراحت کند اما او گفت: امروز باید تکلیف جمهوری اسلامی مشخص شود و من باید بروم تا این اسناد و حقیقت‌ها را برای مردم روشن کنم.» (اسرافیلیان دوست شهید) شهید حسن آیت یک ماه بعد از نطق قبلیش در مجلس و در حالی که برای نطق جدیدی علیه موسوی حاضر گشته بود، صبح روز ۱۴ مرداد ۱۳۶۰ در برابر منزل خود هدف شلیک ۶۰ گلوله قرار گرفت و به شهادت رسید.



مأموریت در وقت اضافه



در اواخر دسامبر گری سیک (مسئول امور ایران در شورای امنیت ملی) به من نوشته بود که نظامیان ایران در وضع متزلزلی هستند و توانایی آنها برای حکومت مورد تردید است. اولین گزارش مهم هایزر روز نهم ژانویه، یک هفته پیش از عزیمت شاه از ایران بدست ما رسید. در این گزارش هایزر نوشته بود که نگرانی عمده در ارتش ایران این است که فرماندهان ارشد هم همراه شاه یا به دنبال شاه ایران را ترک کنند و ارتش با از دست دادن کادر اصلی فرماندهی خود از هم می پاشید.»

آنطور که از نوشته‌های هایزر و سایر مقامات رسمی آمریکا بر می آید، وظیفه اصلی او جلوگیری از فروپاشی ارتش ایران پس از خروج شاه و تضمین حمایت ارتش از حکومت بختیار بود.

اما به طور اجمالی میتوان راهبرد ژنرال هایزر را حول چهار مسئله دانست: نخست آن که از عملیات خودسرانه و حساب نشده ارتش پس از فرار شاه از ایران، جلوگیری شود. دوم آن که ارتش را موظف سازند از دولت بختیاری پشتیبانی نمایند و در صورت لزوم مبادرت به کودتای نظامی شود. سوم آن که تکلیف قراردادهای فروش سلاح‌های پیشرفته آمریکا در ایران روشن گردد. چهارم آن که وسایل و سلاح‌های مدرن آمریکا در ایستگاه‌های رادار در ایران به تصرف شوروی درنیاید آخرین مرحله مأموریت هایزر در صورت شکست بختیار و ناامیدی آمریکا از کنار آمدن با انقلابیون ایران ترتیب یک کودتای نظامی برای منافع آمریکا در ایران بود. برخی فرماندهان ارتش شاهنشاهی نقشه توطئه خونین علیه انقلاب را هر روز در محافل خصوصی دربار مطرح می کردند. کودتا همیشه منجی اول و آخر خاندان پهلوی بوده از سوم اسفند ۱۲۹۹ گرفته تا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، که این بار چنین فرصتی پیدا نمی کنند.

با وجود تهدیدات و مانع تراشی‌های دولت بختیار، هواپیما حامل امام خمینی در ۱۲ بهمن در فرودگاه مهرآباد تهران بر زمین می نشیند و انقلاب به پیروزی نهایی، نزدیکتر می شود اما هایزر همچنان به رخ دادن یک اتفاق مطلوب امیدوار است.

کمتر از ده روز از ورود امام می گذرد که نوزدهم بهمن جمعی از همافران و پرسنل اصلی نیروی هوایی ارتش به دنبال دعوت امام خمینی از نظامیان با ایشان اعلام همبستگی و وفاداری می کنند و این چیزی جز شکست کامل ستون نظام طاغوت و پایانی بر برنامه‌های آقای رابرت هایزر نبود. هایزر و تیم مستشاری او با این تصور که بعدها دولت آمریکا بتواند به داخل انقلاب اسلامی ایران نفوذ کرده و اهداف خود را پیش ببرد مجبور به ترک ایران شدند.

اوضاع سیاسی ایران و حجم اعتراضات مردمی بسیار متفاوت تر از تابستان سال ۱۳۳۲ می باشد به طوری که انقلاب گسترده‌ای در همه جای کشور در حال شکل گیری است و از همه مهمتر این بار نهضت فقط به دست یک رهبر هدایت می شود و همه مکاتب آزادیخواه ایران به پیروی از آیت الله خمینی متحد شده اند.

از این رو ژنرال رابرت هایزر، معاون وقت فرمانده نیروی هوایی آمریکا در اروپا، برای مأموریتی ویژه که هدف آن اتخاذ بهترین تصمیم در جهت منافع ایالات متحده آمریکا در ایران است وارد تهران می شود. در تنها دیدار او با شاه تصمیم بر این شد که محمدرضا پهلوی از کشور خارج و شاپور بختیار نخست وزیر و اداره کننده امور ایران شود. مقصود از نخست وزیری بختیار جذب گروه‌های ملی گرا و جمهوری خواه و در نهایت انسجام موافقان سلطنت بود.

هایزر در کتاب خاطراتش می نویسد: «من برای بررسی این مسأله، مخفیانه به تهران آمدم که کودتا چگونه میسر است و آیا اصلاً به مصلحت هست یا نه؟ پس از بررسی‌های بسیار، از واشنگتن دستور رسید که دولتی قوی به رهبری شاپور بختیار تشکیل شود. در صورتی که این کار شکست بخورد کودتای نظامی انجام خواهد شد»

بژرینسکی مشاور امنیت ملی کارتر نیز در کتاب خاطرات تصریح می کند که طرح یک کودتای نظامی در ایران در صورت شکست بختیار یکی از وظایف اصلی هایزر در تهران بوده است.

او درباره این طرح و نقش هایزر در تهیه مقدمات آن می نویسد: «اجرای نقشه کودتا در ایران، هم به یک برنامه ریزی دقیق و طرح لجستیکی و هم به تصمیم و اراده سیاسی از طرف فرماندهان نظامی ایران بستگی داشت و علاوه بر آن مستلزم علامت یا اجازه‌ای از طرف یک مقام قابل قبول بود. مأموریت هایزر آماده نگاهداشتن ارتش ایران برای انجام چنین برنامه‌ای در صورت ضرورت بود و با رفتن شاه از ایران فقط واشنگتن می توانست علامت لازم را برای اجرای این نقشه در ایران بدهد.

سولپوان که همیشه با فکر کودتای نظامی در ایران مخالفت می کرد در تعقیب نظریات قبلی خود می گفت ارتش ایران توانایی دست زدن به کودتا را ندارد و این نظر او از طرف وزارت خارجه تقویت می شد.



کشف حجاب

گردآورنده: parvazVV

در این کنگره که به ریاست «شمس پهلوی» برگزار شد، از بی‌حجابی به عنوان نمادی از تمدن یاد کردند.

اردیبهشت ۱۳۱۴ «جمعیت زنان آزادیخواه ایران» را شمس پهلوی به عنوان گام تازه‌ای برای تسریع در روند بی‌حجابی در کشور تأسیس کرد. در مرحله بعد وزارت داخله برای ایجاد هماهنگی بیشتر میان لباس متحدالشکل مردان و کشف حجاب زنان، مقررات جدیدی در مورد نوع پوشش وضع کرد. سپس شاه نیز به وزرا و نمایندگان مجلس اعلام کرد که حذف حجاب زنان را آغاز کنند. در قدم اول بی‌حجابی از زنان وزرا، معاونان، وکلا و مسئولان کشور شروع شد.

با رسمی شدن قانون کشف حجاب، مردم و مخصوصاً علما و روحانیون نسبت به این قانون اعتراض شدیدی کردند که قیام مسجد گوهرشاد را می‌توان نمونه‌ای از این اعتراضات نام برد. رضا خان با بی‌اعتنایی به علما و مردم، روز ۱۷ دی ۱۳۱۴ در جشن فارغ‌التحصیلی دانشسرای مقدماتی دختران در تهران، قانون کشف حجاب زنان را به طور علنی و رسمی اعلام کرد و به اتفاق همسر و دخترانش که بدون حجاب بودند شرکت و سخنرانی کرد. رضاشاه در سخنانی گفت: «باید خیاط‌ها و کلاه دوزها را تشویق کرد که مدهای قشنگ به بازار بیاورند. ما میله‌های زندان را شکستیم. حالا خود زندانی آزاد شده و وظیفه دارد که برای خودش به جای قفس، خانه قشنگی بسازد.»

همانطور که اشاره شد و در جمله‌ی شاه پهلوی هم آمده حجاب به عنوان یک مانع برای آزادی و پیشرفت بیان شده است به گونه‌ای سخن گفتند که انگار به محض کشف حجاب زنان و تغییر لباس مردان و شبیه کردن مردم ایران به یک انسان غربی، مشکلات حل خواهد شد و علت اصلی تمام بدبختی‌ها و خرابی‌های کشور ناشی از حجاب بوده است. دو دوره از حکومت پهلوی‌ها نشان داد بی‌حجابی و تبعاتی از جمله بی‌بندوباری در پی داشت نه تنها نتوانست منجر به پیشرفت کشور شود بلکه عاملی بود برای رشد فساد و از بین رفتن فرهنگ و هویت ایرانی.

نخستین نشانه‌های کشف حجاب را می‌توان در دربار ناصرالدین شاه قاجار و سپس در محافل روشنفکری و بهایان مشاهده کرد اما رسمیت پیدا کردن و فراگیر شدن آن که ناشی از آشنایی با فرهنگ غرب و ادعاهای نوگرایانه‌ی افرادی که افکار و زندگی غربی را تجربه کرده بودند، به دوره‌ی رضا شاه پهلوی برمیگردد. رضا خان قبل از رسیدن به مقام شاهی، خود را فردی مذهبی نشان می‌داد اما بعد از رسیدن به سلطنت، مذهب را مانعی برای رسیدن به پیشرفت معرفی کرد. وی که دست‌نشانده‌ی دولت‌های غربی و از حمایت کامل آنها برخوردار بود و با توجه به عقاید سستش، شرایط را به گونه‌ای فراهم کرد که فرهنگ مردم ایران به سمت فرهنگ غربی سوق پیدا کند.

مهم‌ترین عامل پیدایش و اجرای کشف حجاب، سفر رضاشاه به ترکیه بود. او اوایل سلطنتش به فکر تجددگرایی بود اما بعد از سفر به ترکیه و مشاهده‌ی بی‌حجابی در آنجا و اقدامات آتاتورک این فکر تقویت شد. رضا شاه در جریان این سفر به سفیر کبیر ایران «مستشارالدوله صادق» گفت: «ما عقب هستیم و فوراً باید با تمام قوا به پیشرفت سریع مردم خصوصاً زنان اقدام کنیم.»

همچنین به محمود جم رئیس‌الوزرا گفت: «...از وقتی که به ترکیه رفتم و زنده‌ی آنها را دیدم که «پیچه» و «حجاب» را دور انداخته و دوش بدوش مردهایشان در کارهای مملکت به آنها کمک می‌کنند، دیگر از هر چه زن چادری است بدم آمده است. اصلاً چادر و چاقچور دشمن ترقی و پیشرفت مردم است.»

قبل از سفر به ترکیه در سال ۱۳۰۷ قانون اتحاد شکل البسه و تبدیل کلاه در مجلس شورای ملی به تصویب رسید. ابتدا مردان ایرانی را مجبور کردند لباس‌های متحدالشکل با کلاه خاص شبیه فرانسویان که به کلاه پهلوی معروف شد، بپوشند. با اجباری کردن این قانون به تدریج تعداد کت وشلوار پوش‌ها زیاد شد. سپس با تشکیل «کنگره زنان شرق» در ۱۳۱۱ شمسی در تهران و دعوت از زنان بی‌حجاب کشورهای دیگر، مبارزه با حجاب را به صورت مبنایی در پیش گرفت.

کاشف الغطاء

می‌بندند که به یاهوهای جرجی زیدان پاسخ دهند. قرار شد که آیت الله صدر درباره نقش شیعیان در تأسیس علوم اسلامی کتابی بنویسد او پس از سالها تحقیق موفق شد کتاب «تأسیس الشیعه لعلوم الاسلامیه» را بنویسد.

علامه شیخ آقا بزرگ تهرانی متعهد شد که فهرستی برای کتاب‌های نوشته شده به دست شیعیان بنویسد او سالیان دراز به کاوش و جستجو پرداخت به کشورهای اسلامی سفر کرد با تلاشی جان‌فرسا، توانست فهرست آثار شیعیان در طول تاریخ، که شامل بیش از پنجاه هزار کتاب در موضوع‌های مختلف را، از فقه، اصول، فلسفه، تفسیر، کلام، ادبیات، پزشکی، فیزیک، جبر، مثلثات، ریاضیات، تاریخ، جغرافیا و بود، تهیه نماید و به معرفی اجمالی آن‌ها پردازد «الذریعه الی تصانیف الشیعه» اثر گرانسنگ او در ۲۹ جلد به چاپ رسید.

آیت الله کاشف الغطاء همواره در مسایل سیاسی دخالت می‌کرد. برخی از کج‌اندیشان به ایشان خرده می‌گرفتند و او در پاسخ می‌گفت: اگر سیاست به معنای پند، راهنمایی، نهی از فساد، نصیحت و مبارزه با استعمار است من اهل سیاستم. آری، من تا فرق سر غرق در سیاستم. چنین سیاستی از واجبات است. پدر، پدر بزرگ، جد و تمام خاندان من، بیش از سیصد سال رهبری دینی جهان اسلام را بر عهده داشتند. در زیارت جامعه، درباره ائمه معصوم آمده است: اتم ساسه العباد: شما سیاستمداران مردم هستید. سیاست ما سیاست پیامبر و امامان است. زمانی هم کاشف الغطاء نامه‌ای به محمدعلی جناح، اولین نخست وزیر پاکستان می‌نویسد و هدف‌های استعماری پیمان‌های نظامی آمریکا را به او گوشزد می‌کند. سرجان تروتیک، سفیر انگلیس در عراق به دیدار کاشف الغطاء می‌رفت گفتگو بین آنها درباره کمونیسم، اسرائیل و مسایل دیگر صورت می‌گرفت. کاشف الغطاء جنایت‌های انگلیس در جهان را به او گوشزد می‌کرد. گفتگوی ایشان با سفیران انگلیس و آمریکا با نام «محواره الامام مع السفیرین»، سه بار در نجف و یک بار در آرژانتین چاپ شد.

آیت الله العظمی شیخ محمدحسین کاشف الغطاء سرانجام پس از عمری تلاش خستگی ناپذیر در ذی القعدة ۱۳۷۳ ق، رخت از جهان بریست.

شیخ محمدحسین کاشف الغطاء. عالم طراز اول از شخصیت‌های معروف جهان اسلام که در دولت عراق و ایران متنفذ بود. ایشان با اینکه سالها در وادی شعر و ادب و تاریخ گام نهاد بود، ولی در وادی حکمت و فلسفه روح تشنه‌اش را سیراب نمود. و تمام کتاب‌های صدرالمتألهین، ملاصدرا شیرازی - از مشاعر، عرشیه و شرح هدایه گرفته تا اسفار و شرح اصول کافی - را نزد استادان برجسته آموخت.

از اشتغالات مهم ایشان، نوشتن مقاله و کتاب بود. گفته اند از این بزرگ‌مرد، هشتاد اثر به یادگار مانده است. با اینکه در اواخر عمر به بیماری‌های گوناگون مبتلا شده بود. مع ذلک از تحقیق و تألیف بازمی‌ایستاد و برای پاسخ‌گویی به نیازهای عصر خویش، آتی قلم از دستش نمی‌افتاد.

او نویسنده‌ای قوی و ماهر و با ادبیات کم نظیرش، نوشته‌های مهم و ویژه‌ای را خلق کرد. کتاب «اصل الشیعه واصلها» که به زبان‌های مختلف از جمله زبان فارسی ترجمه شد، از زیباترین نوشته‌های کاشف الغطاء است. کاشف الغطاء این کتاب را به تعبیر خود نه از این نظر که بخواهد از شیعه در برابر سیل تهمت‌ها دفاع کند بلکه از این نظر که پرده‌های نادانی را از برابر چشم مسلمانان کنار بزند تا افراد با انصاف در داوری درباره شیعه راه عدالت پیش بگیرند نگاشت و هم برای این که عذر و بهانه‌ای هم برای آن دسته از دانشمندان که یاهوهای بر زبان شیعه می‌گویند و می‌نویسند، باقی نماند که بگویند دانشمندان شیعه، مذهب خود را معرفی نکردند. بدین امید که در سایه این کتاب پیوندهای دوستی در میان مسلمانان استوار گردد و دشمنی از بین آنها برچیده شود.

استعمار، همیشه برای تسلط بیشتر بر کشورهای اسلامی بهترین راه را در تفرقه می‌بیند. برخی از دانشمندان اهل سنت نیز ناآگاهانه و گروهی نیز در سخنان و کتاب‌هایشان علیه شیعه وارد میدان می‌شدند. جرجی زیدان نویسنده شهیر مسیحی درباره شیعه می‌نویسد: «شیعه طایفه‌ای کوچک بود که آثار قابل اعتنائی نداشت اکنون شیعه‌ای در دنیا وجود ندارد» از آن پس سه دانشمند شیعی با هم پیمان می‌بندند که با علم و قلم به جنگ استعمار و تفرقه برونند. آیت الله سید حسن صدر و علامه شیخ آقا بزرگ تهرانی با کاشف الغطاء عهد



روزنامه: حجت‌الاسلام

۵

بن بست ۵۹۸

بعد از خمین

روایتی از ناکته‌های تاریخ انقلاب اسلامی

AfterKhomeini.Afsaran.ir @AfterKhomeini

بن بست ۵۹۸



بکشید مارا

▶ **همچنان در
صحنه بمانید**

▶ **نقطه آغاز خرابی
یک ملت**

روزنامه: حجت‌الاسلام

۴

جمهوری دوم

بعد از خمین

روایتی از ناکته‌های تاریخ انقلاب اسلامی

AfterKhomeini.Afsaran.ir @AfterKhomeini

جمهوری دوم



نقد «باب اسفنجی»

▶ **از آل سعود
نخواهیم گذشت**

▶ **میثم قمار زمان ما**

قالوا ستمحیا
فایدلنا الحروف المیم خاء والحاء میم
وقلنا ستمحیا

شهدای مدافع حرم



مدافعان حرم

▶ **انتظار امید بخش**

▶ **آثار اجتماعی
بی حیائی**

▶ **بخشش الهی را
نمی‌خواهید!؟**

نقد «۶ ابرقهرمان»



ILLUMINATION
PRESENTS
minions

نقد «مینیون‌ها»

▶ **کربلا با
مهدی صفا داره**

▶ **از حب مقام
تا نفاق!**

حقوق و مسئولیت

نویسنده: [matinemami](http://matinemami.com)

مسئولیت، امانتی گران بها و در عین حال، سنگین بر دوش زمامداران جامعه اسلامی است. از این رو، حفظ نظام سیاسی و حرکت در مسیر سلامت جامعه و ثبات نظام سیاسی، مستلزم هوشیاری و حضور فراگیر مردم در عرصه‌های گوناگون اجتماعی و سیاسی است تا امانت به شایستگان و صاحبان آنها سپرده شود. در این میان، انتخابات، تجلی عینی مشارکت سیاسی است. مشارکت یا عدم مشارکت سیاسی به طور کلی، بازتاب اقبال یا روی گردانی مردم نسبت به نظام سیاسی است. همچنان که حضور فعال و پرشور مردم در عرصه انتخابات، نشانه تأیید و حمایت از نظام سیاسی است.

لذا، نباید غافل بود که حضور فعال و مشارکت سیاسی مردم، «حق» و «مسئولیت» خاصی را ایجاد می‌کند که در فلسفه سیاسی دینی به صورت توأمان و حتی به صورت هم‌زاد نسبت به زمامداران نظام اسلامی ظاهر می‌شوند. همانطور که مشارکت سیاسی، در شکل‌گیری نظام سیاسی و ثبات آن نقش اساسی دارد؛ هر چه میزان مشارکت سیاسی بیشتر باشد، علاوه بر مسئولیتی گریزناپذیر، حقی بزرگی بر عهده حکومت و منتخب مردم می‌گذارد.

از این رو، می‌توان گفت: نظامی که دارای مشارکت سیاسی مردمی بالاست، از وحدت، یکدلی و یک‌رنگی بهره می‌برد، و آن‌گاه که این مشارکت آگاهانه و با مدیریت و برنامه‌ریزی درست به جریان افتاده باشد، هم‌زمان با اینکه؛ رأی، اقبال و حقوق عامه مردم می‌تواند مسئولیت‌های اجتماعی - سیاسی فراوانی برای نماینده مردم، نظام سیاسی و دولت تعریف کند، مقبولیت اجتماعی، دینی و سیاسی حکومت را نیز تقویت خواهد کرد.

مشارکت سیاسی، پای‌بندی شهروندان به قوانین، هنجارها و ارزش‌های اجتماعی، و حضور فعال در عرصه تصمیم‌سازی‌های سیاسی است که مسئولیت‌پذیری آنان را نشان می‌دهد. در واقع، مشارکت سیاسی، تعامل دو سویه مردم و حکومت، در اجرای برنامه‌های توسعه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است.

در بلندمدت، بدون مشارکت سیاسی مردمی، امکان بقا و استمرار نظام‌های سیاسی اعم از مردم‌سالار، دموکراتیک و غیردموکراتیک، ممکن نخواهد بود. دائرةالمعارف علوم اجتماعی، مشارکت سیاسی را عبارت از فعالیت‌های داوطلبانه‌ای می‌داند که اعضای یک جامعه در انتخاب حُکام به طور مستقیم یا غیرمستقیم و در شکل‌گیری سیاست‌های عمومی انجام می‌دهند. (۱) مشارکت سیاسی را شرکت در فرایندهای سیاسی که به گزینش رهبران سیاسی منجر می‌شود و سیاست عمومی را تعیین می‌کند یا بر آن اثر می‌گذارد، تعریف کرده‌اند. (۲)

مردم، در همه نظام‌های سیاسی نقش اول را در ثبات و کارآمدی نظام خویش ایفا می‌کنند. لذا مشارکت سیاسی برای هر نظام سیاسی؛ ثبات، کارآمدی، تأیید و رسمیت بخشیدن را به ارمغان می‌آورد. اما از منظر دینی و در نظام‌های مردم‌سالار دینی، هرچند مردم در مشروعیت حکومت نقشی ندارند، اما در کارآمدی و به ظهور رساندن قدرت مشروع و حاکمیت دینی، نقش برجسته‌ای بازی می‌کنند. این همان چیزی است که در ادبیات سیاسی، از آن با عنوان «مقبولیت» یاد می‌شود.

از سوی دیگر، در فلسفه سیاسی اسلام و طبق دستور صریح خداوند متعال در سوره مبارکه نساء آیه ۵۸، اصولاً حکومت، قدرت سیاسی و

بنابراین، درک تلازم و همزادی «حق» و «مسئولیت» توسط زمامداران نظام اسلامی، اهمیت فراوانی دارد و توجه به ابعاد گوناگون آن می‌تواند تصوّر دقیق‌تری از نقش آفرینی در اداره جامعه و وظائف محوله به ارمغان آورد. مقوله اقبال و حق مردم بر نماینده یا زمامداران حکومت اسلامی، همواره انواع و سطوح گوناگونی از مسئولیت را به دنبال دارد. هر درجه مقبولیت افزون‌تر، سطح بالاتری از مسئولیت را متوجه او خواهد کرد؛ همان‌گونه که بسیاری از مسئولیت‌های اجتماعی که بر عهده انسان می‌نهند نیاز به ایجاد بستری مناسب برای ایفای آنها داریم و فرصت مقبولیت اجتماعی سیاسی از مصادیق چنین بستری مناسب است. اما، اگرچه مقبولیت سیاسی می‌تواند تأثیر فراوانی در انجام مسئولیت‌های سیاسی اجتماعی منتخب مردم داشته باشد، ولی گاهی درک ناصحیح از اقبال مردم به او، یا تشخیص ندادن تلازم و همراهی «حق مردم» و «مسئولیت» باعث توهم «حق زمامداری» می‌شود که در نظام سیاسی اسلام، حقی شناخته و غریب است.

هرچند در نظام اسلامی، تصدّی مناصب و پذیرش مسئولیت و میزان اقبال مردم به مسئول یا نماینده خود، بر پایه انتخابات صورت می‌گیرد، اما دیدگاه انقلاب اسلامی درباره مسئولیت در حکومت، دیدگاهی تکلیف‌محور است که در نظام‌های مبتنی بر مکاتب مادی، مسئولیت‌های اجتماعی و حکومتی را حق انسان‌ها می‌دانند و محدودیت آن را تضييع حقوق انسانی می‌شمارند.

وقتی عامل پیوند گروه‌ها و آحاد جامعه را، علی‌رغم داشت علایق، سلیق و نیازهای مختلف؛ مجموع هنجارها و باورهای دینی و ارزش‌های ملی بدانیم، سرنوشت خود و جامعه را به شخصی خواهیم سپرد که سمت‌وسوی شعارهای انتخاباتی و حرکت سیاسی فرهنگی او؛ همبستگی ملی، احیای دین و ارزش‌های دینی است. پذیرش اهداف و مبانی نظام اسلامی و حرکت مؤثر زمامداران جامعه اسلامی بر مبنای تفکر انقلابی برای رسیدن به هدف مشخص در قالب تعامل، همکاری و همیاری بدون تعصبات حزبی و با استفاده از همه امکانات بالقوه و بالفعل کشور ملاکی شفاف در تعهد، امانت‌داری و مسئولیت‌پذیری است.

بنابراین، اگر افراد جامعه و عموم مردم به توان، استعداد، و نقش خویش در ساختن جامعه و نظام سیاسی آگاهی داشته باشند و از میزان اثرگذاری خویش بر آن و نیز از فواید مشارکت خود در رشد، توسعه و بهبود زندگی فردی، اجتماعی و سیاسی خویش آگاه شوند، همان‌گونه که حفاظت از حقوق شخصی و اموال را لازم و عقلی می‌دانند، در سپردن امانتی مانند سرنوشت کشور و خانواده و دین به نا اهلان، سهل‌انگاری نخواهند کرد.

پی نوشت ها:

۱- محبوب شهبازی، تقدیر مردم‌سالاری ایرانی تهران، ص ۵۹.

۲- نیکلاس آبراکرامی، استغن هیل و برابیان، اس. ترنر، فرهنگ جامعه‌شناسی، ترجمه

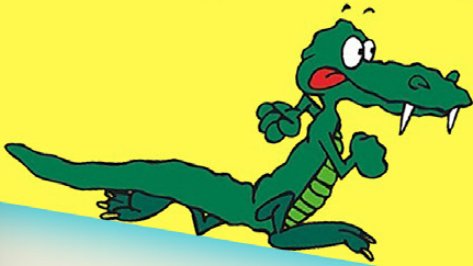
حسن پویان تهران، ص ۲۸۶.





آقازاده‌ی ما (۲)

نویسنده: جواد نعیمی



در این هنگام آقازاده و روجک ما، می‌پرد به هوا! و با لحن خاصی می‌گوید: «واقعاً دستت درد نکند باباجان! تا حالا هیچ همسایه‌ای چنین بیانیه قاطعی صادر نکرده که شما فرمودید...!»

... دست میریزاد! می‌بینید جز جگرزده‌ها، همه‌اش متلک می‌پراندند به ما! عیبی ندارد. به موقع حقشان را می‌گذارم کف دستشان! توی همین حال وهوا هستم و هنوز هوش و حواسم از این قضیه کاملاً منصرف نشده که آقازده دیگرمان نفس زنان به سوی من می‌آید و بدون هیچ مقدمه‌ای می‌گوید: «پدر! پدر! می‌شود کمی پول بهم قرض بدهی؟»

با تعجب می‌پرسم: «پول؟ قرض؟ پول برای چه می‌خواهی؟!» می‌گوید: «می‌خواهم بروم تعدادی مارمولک و سوسمار بخرم!» چشم‌هایم گرد می‌شود، آهی از سینه بر می‌آورم و می‌گویم: «به حق چیزهای نشنیده و ندیده! آخر، مارمولک و سوسمار می‌خواهی برای چی؟» پوزخندی می‌زند و پاسخ می‌دهد: «می‌خواهم آن‌ها را هدیه بدهم.»

با شگفتی بیشتری می‌پرسم: «هدیه؟ به چه کسی؟!» می‌گوید: «به ذلیل مردان و مقام‌های دولت اسرائیلی عربستان سقوطی، به این آدمک‌های توی قوطی! که حرف‌های گنده‌تر از دهانشان می‌زنند!» بعد هم سینه سپر می‌کند و ادامه می‌دهد: «می‌خواهم به آن‌ها پیام بدهم که شما فعلاً بفرمایید مارمولک و سوسمارتان را میل کنید تا دهانتان بسته بماند و دیگر نتوانید غلط‌های زیادی بکنید و به ملت بزرگ ایران توهین روا بدارید!»

حالا دیدی، چه نبوغی دارند این آقازاده‌های ما! بگوئید هزار ماشاءالله به آن‌ها!

می‌گویم ماشاءالله، این آقازاده‌های ما هم اگر ترشی نخورند، نه تنها برای خودشان که برای ما هم یک چیزی می‌شوند! حتماً می‌پرسید چطوری؟ الان به عرض می‌رسانم:

امروز، یکی دیگر از آقازاده‌ها، آمده پهلوی ما و می‌گوید: پدرجان! شما نمی‌خواهید این همسایه بغلی را محکوم کنید؟! همه همسایه‌ها تا حالا محکومش کرده‌اند. همه با او قهرند! آخر، می‌دانید که او چه جنایت‌کاری است؟!!

حالا اینکه چقدر بچه‌های همسایه‌ها را آزار داده و آن‌ها را دعوا کرده، مانند، از همه بدتر اینکه با سنگ زده به سر یکی از بچه‌ها و طفلک را جا به جا کشته است. آن وقت شما...!

می‌پرسم توی حرفش و می‌گویم: راست می‌گویی و روجک! ولی باورکن این قدر سرم شلوغ است که هنوز فرصت محکوم کردن را پیدا نکرده‌ام. می‌بینی که مشغول شکستن رکورد رکود با شیب ملایم هستم! تازه، کلید درِ خانه را هم گم کرده‌ام و دارم دنبالش می‌گردم! یارانه محبت شما را هم که علی‌رغم کمبود بودجه مهربانی، همه روزه باید بپردازم... حالا کاغذ و قلمت را بردار و آنچه می‌گویم، بنویس!

بنویس کشتن آدم‌های بی‌گناه، به ویژه کودکان معصوم، کار بسیار بدی است! ما این را محکوم می‌کنیم؛ اما از آن طرف، باید به بچه‌های محل، آن‌هایی که جلوی درِ خانه همسایه بازی و هیاهو و سروصدا راه می‌اندازند یا به سنگ پرانی به آنجا می‌پردازند نیز هشدار داد. این کار به شدت محکوم است؛ چون سبب ایجاد تنش میان همسایه‌ها می‌شود. بنابراین من اگر به چشم خودم ببینم که مثلاً یکی از آقازاده‌های خودمان دست به چنین کارهایی می‌زند، گوشش را خواهم کشید و ادبش خواهم کرد!



نویسنده: leilabanoo

صدای انقلاب



به دیوار تکیه زده‌ام. فرزندانم را نظاره می‌کنم. مشغولند. لباس می‌پوشند و آماده می‌شوند برای امروز. خودم را در آنها می‌بینم. دیگر صدایشان را نمی‌شنوم....

با صدای بلند خدا حافظی می‌کنم و بعد از شنیدن نصیحت‌های هر روزی مادر به جمع دوستانم ملحق می‌شوم و به سمت مدرسه می‌رویم: چه خبر؟

خیابون رو ندیدید، حسابی شلوغ بود دیشب. چند نفر رو گرفتن. از وقتی دستور شلیک صادر شده و اوایل شده خیابون‌ها. به مدرسه می‌رسیم. باز شروع صبح و پخش روزنامه‌های مجاهدین خلق: بیا لیلا بخونش.

روزنامه را می‌گیرم و لابلای برگه‌های کتابم می‌گذارم. مانند دانش آموزان نمونه به کلاس می‌رویم. هفته‌هاست که فقط شیفت صبح را در مدرسه می‌مانیم و بعد از ظهرها به جای مدرسه در خیابان‌های شلوغ شعار سمری دهیم علیه حکومت. خیلی زود شیفت مدرسه پایان می‌یابد. از مدرسه بیرون می‌زنیم.

- لیلا نوارها رو گوش دادی؟!

سری تکان میدهم و با صدایی رسا و جدی صحبت‌های امام را برایشان بازگو می‌کنم. و برگه‌هایی را که در آنها متن خلاصه‌ی سخنرانی‌ها را نوشتم به دستشان می‌دهم. به لطف برادر بزرگم نوارهای تمام سخنرانی‌های امام به سرعت به دستم می‌رسید.

خیابان‌ها شلوغ است. همه تب و تاب تظاهرات را دارند. آنقدر همراه مردم دیگر شعار می‌دهیم و گاهی از تیرس سربازان فرار میکنیم که زمان از دستمان خارج می‌شود. وقتی به خود می‌آییم که هوا رو به تاریکیست:

-وای بچه‌ها دیر شد!

همه‌مان ترسیده‌ایم؛ سابقه نداشته که دیر کنیم. بخاطر دویدن به نفس نفس افتاده‌ایم. از دور مادرم و سایر همسایگان را می‌بینم. از این فاصله هم می‌توانم بخوبی نگرانی و عصبانیت را در رفتار مادر درک کنم. هر شش نفرمان آرام و سربه زیر جلو می‌رویم. مادر به سویم قدم تند می‌کند و دستش قبل از نشستن بر صورتم در میان دستهای حمایتگر برادرم اسیر می‌شود. وسط کوچه می‌نشیند و با صدای بلند

گریه میکند: «لیلا! نگران تو هم باید بشم؟ درد بابات کم بود؟ غم داداشت که تو شهر غریب معلوم نیست چه بلایی سرش آوردن کمه؟ تو دیگه نکن! اگه تو رو هم بگیرن من میمیرم، بفهم.»

سنگینی نگاه سرزنشگر برادرم آخرین توانم را هم به یغما می‌برد زانو می‌زنم: ببخشید مامان غلط کردم دیگه نمی‌رم قول میدم.

و پا به پایش اشک می‌ریزم. مادرم به کمک برادر و زن برادرم به خانه می‌رود و من نیز آرام به دنبالشان می‌روم. به حدی حالم بد بود که متوجه برخورد والدین دوستانم با آنها نشدم. پدرم درجه دار ارتش بود که وقتی فرمان آتش به سمت مردم صادر شد به خاطر سرپیچی از دستور به زندان افتاد. برادر دیگرم هم که در سنج سرباز بود به همین دلیل زندانی شد. خانواده در بی‌خبری مطلق بود و همین بر نگرانی می‌افزود.

گوشه ای می‌نشینم و به برادرم که سعی در آرام کردن مادر داشت نگاه می‌کنم. از طرف من قول‌هایی میداد. در اوج ناراحتی و ترس خنده‌ام گرفت. مقصر تمام این رفتارهای من او بود. خودش مرا به تظاهرات می‌برد و برایم سخنرانی‌های امام را می‌گذاشت حالا... به اتاق پناه می‌برم و خود را با سخنرانی‌های امام مشغول می‌کنم، سخنانی که برای ما، ماهیان به دور از آب حیات بخش بود دو روز بعد امام آمد و گویی جان تازه‌ای به ما بخشیده بودند. ۱۰ روز بعد از آن، صدای انقلاب بود که از همه جا پخش می‌شد.

...

«مامان جان!.. از فکر گذشته بیرون می‌آیم: جانم دخترم؟

-ما حاضریم.

تکیه‌ام را از دیوار برمی‌دارم و درحالی که چادرم را می‌گذارم می‌گویم: برید پایین باباتون منتظره منم اودم.

به پرچمی که بچه‌ها برایم گذاشته‌اند نگاه می‌کنم. سی سال گذشت و ۲۲ بهمن دیگری فرا رسید. هنوز مردم کشور ایستاده‌اند.

تقلید

ارسال کننده: iighalameshghii

آیا تقلید از کسی که در یکی از ابواب فقه مثل نماز و روزه به درجه‌ی اجتهاد رسیده، جایز است؟
ج: فتوای مجتهد متجزی که تنها در برخی ابواب فقهی دارای فتوا و نظر اجتهادی است برای خودش حجت است، ولی جواز تقلید دیگران از او محل اشکال است؛ اگر چه جواز آن بعید نیست.

آیا عدالت معتبر در مجتهد و مرجع تقلید با عدالت معتبر در امام جماعت از حیث شدت و ضعف تفاوت دارد؟
ج: با توجه به حساسیت و اهمیت منصب مرجعیت در فتوا، بنا بر احتیاط واجب، شرط است که مجتهد مرجع تقلید علاوه بر عدالت، قدرت تسلط بر نفس سرکش را داشته و حرص به دنیا نداشته باشد.

این که گفته می‌شود باید از مجتهدی تقلید نمود که عادل باشد، مقصود از عادل چه کسی است؟
ج: عادل کسی است که پرهیزگاری او به حدی رسیده باشد که از روی عمد مرتکب گناه نشود.

آیا اطلاع از اوضاع زمان و مکان از شرایط اجتهاد است؟
ج: ممکن است این شرط در بعضی از مسائل دخیل باشد.

آیا در تقلید، اعلیّت مرجع شرط است یا خیر؟ معیار و ملاک اعلیّت چیست؟

ج: در مسائلی که فتوای اعلّم با فتوای غیر اعلّم اختلاف دارد، احتیاط آن است که از اعلّم تقلید کند و ملاک اعلمیّت این است که آن مرجع نسبت به سایر مراجع قدرت بیشتری بر شناخت حکم الهی داشته باشد و بهتر بتواند احکام شرعی را از أدله استنباط کند و همچنین نسبت به اوضاع زمان خود به مقداری که در تشخیص موضوعات احکام و ابراز نظر فقهی مؤثر است، آگاه‌تر باشد.

آیا تقلید کسی که از جهت احتمال عدم وجود شرایط معتبر تقلید در مجتهد اعلّم، از مجتهد غیر اعلّم تقلید کرده است، محکوم به بطلان است؟

ج: بنا بر احتیاط، تقلید از غیر اعلّم در مسائل مورد اختلاف، به مجرد احتمال عدم وجود شرایط معتبر در اعلّم، جایز نیست.

الگوی تفردی

نویسنده: matinemami

از چه کسی تقلید می‌کنید؟ از چه الگویی خط می‌گیرید؟ سرمشق زندگی‌تان، رفتار و کردارتان چیست و کیست؟ تعارفات روزمره و برخوردهایتان با افراد گوناگون را چگونه برگزیده‌اید؟ هیچ در این جزئیات معمول و متعارف اندیشه کرده‌اید و آیا هرگز در این امور عمیق شده‌اید؟! گاهی روزمره‌گی و معمولی بودن یک رفتار، موجب می‌شود که در اطراف آن چندان درنگ و تأمل نکنیم و در هاله‌ای از غفلت مستمر، هم‌چنان به آن رفتار ادامه دهیم و حال آن‌که جا دارد قدری در جوانب آن تأمل کنیم و به ملزومات و تکرار آن بیندیشیم.

الگوپذیری در همه ما انسان‌ها و در همه مراحل سنی وجود دارد. تقلید از الگوها و انتخاب سرمشق در همه عمر و در تمامی زمینه‌ها وجود دارد. به ویژه در نوجوانان، این حالت الگوگیری و تقلید بسیار جدی و عمیق است. البته خصلت تقلید در سنین بالاتر و تا پایان عمر در همگان وجود دارد و هر فردی در هر مرحله سنی اگر اندکی در کار و رفتار خویش دقت کند، کاملاً می‌باید که آگاهانه و یا ناخودآگاه از الگویی الهام می‌گیرد و از آن تقلید می‌کند. استقلال مطلق در رفتار و کردار بسیار اندک تحقق می‌یابد و گاه به طور ناخودآگاه، مستقل اندیشان نیز در همین استقلال اندیشه، از دیگری تقلید می‌کنند! بنابراین، تقلید برای آدمی ناگزیر و گریزناپذیر می‌نماید.

استکبار از همین نکته بسیار سود جسته و هم‌اکنون در استعمار نو نیز به شیوه‌ای ظریف و نازک با توجه به این خاصه آدمی، برای ما الگوی تولید، مصرف، رفتار، کردار، منش، گرایش، و الگوی تفکر و اندیشه دینی و حتی سیاسی ترسیم می‌کند! و آن‌چه بیش از همه حائز اهمیت و دقت است، الگوهای تفکر و اندیشه فرهنگ است. فرهنگی که اساس رفتار و کردار آدمی است. غرب اگر بتواند با نفوذ در جامعه انقلابی ما، الگوی فکری و فرهنگی بسازد، در حقیقت در ابعاد سیاسی نیز به کام خود رسیده است و هشدار که امروز هدف اصلی دشمن در نرمش‌های ظاهری و تزویر باطنی همین است. استکبار با الگوسازی از تفکر غربی، در سبک حق‌مداری و گزینش کاندیدای مطلوب ما در انتخابات و حتی انقلابی‌گری نفوذ کرده است ...

باید همواره از این نکته غافل نمانیم که کسانی درصددند با لباس صلح و رحمانیت دینی و در پوشش جذب حداکثری و در حجاب حق‌طلبی و با شیوه‌ای ظریف و زیرکانه، در ذهن‌ها نفوذ کرده و از روشنفکرهای با ابعاد دانش و معرفت غرب، قهرمان بسازند و بدین طریق در راستای تفکر سیاسی نیز الگوسازی کنند. باید از «غرب‌پرستی در چهره گفتگو و صلح!» سخت بر حذر باشیم و بدانیم آنان که دیار فرنگ را مهد علم و صلح و اقتدار جلوه می‌دهند و با این شیوه ظریف جوانان ما را دلباخته بیگانه و بیگانه‌پرست و بیگانه از خود می‌کنند، خواسته یا ناخواسته آب به آسیاب دشمن می‌ریزند و دستی در این شبیخون باطل دارند.

دیگر نظرسنجی‌ها

| | |
|------------|------------------------------------------------------|
| ۱۳۹۴/۱۱/۰۱ | مهم ترین اتفاق دی ماه |
| ۱۳۹۴/۱۰/۲۷ | مهم ترین پیامد اجرای برجام |
| ۱۳۹۴/۱۰/۲۲ | مقتدر اصلی وقوع حادثه حمله به کنسولی و سفارت عربستان |
| ۱۳۹۴/۱۰/۰۱ | مهم ترین اتفاق آذر ماه |
| ۱۳۹۴/۰۹/۰۱ | چهره خوب ماه آبان |

در این ماه سه نظرسنجی به مناسبت‌های مختلف انجام شد:

- مهم‌ترین اتفاق آذرماه: از بین ۸ گزینه پیشنهادی، کاربران «نسل کشی شیعیان در نیجریه» را مهم‌ترین اتفاق آذرماه دانستند.
- مقرر اصلی حمله به سفارت عربستان: که «سیاست‌های منفعلانه و عدم اتخاذ موضع گیری مناسب توسط دولت یازدهم» دلیل این اتفاق دانسته شد.
- مهم‌ترین پیامد اجرای برجام در ایران

پخش سریال معمای شاه بعد از مدتی واکنش‌ها و بازتاب رسانه‌ای گسترده‌ای پیدا کرده و علی رغم داشتن جذابیت‌های هنری، کارشناسان انتقادات جدی محتوایی درباره آن مطرح کرده‌اند. به همین جهت کاربری بحث روز به این موضوع پرداخته و آنرا به بحث گذاشت.



کانال تلگرام ماهنامه

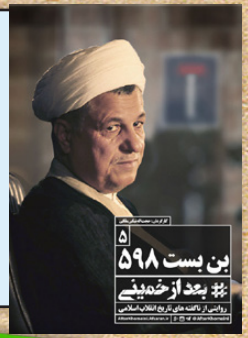
آغاز به کار کرد.

کاربران تلگرام می‌توانند مطالب نشریه معیاد را در این کانال دنبال کنند:

@miaad_ir



اکران فصل دوم مستند «بعد از خمینی» با یک هفته وقفه آغاز شد. قسمتهای چهارم و پنجم این مجموعه با عناوین «جمهوری دوم» درباره تشکیل اولین دولت جمهوری اسلامی بعد از جنگ و آغاز سیاست‌های توسعه و «بن بست ۵۹۸» درباره تحول در سیاست خارجی دولت و چگونگی پیشبرد مذاکرات ۵۹۸ پخش شد.



Ayaran313

احترامش به خانم برای خیلی‌ها باعث تعجب بود. عجیب عاشق همسر و زندگی‌اش بود. همیشه می‌گفت: زن موجودی متعالی است، نه در مقایسه با موجود دیگری. و تاکید میکرد: «جامعه منهای زن، ساقط خواهد شد.» شهید دکتر محمدجواد باهنر ... دولت حزب الله



shiaart

به دنبال اجرای حکم اعدام شیخ نمر توسط دولت عربستان وزارت خارجه این کشور در نامه ای محرمانه خطاب به وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران آقای ظریف نوشت: مجنون خنده های توام بیشتر بخند !!!



Sadatv9

از بهلول پرسیدند در قبرستان چه میکنی؟؟؟ او در جواب گفت: با جمعی نشسته ام که به من آزار نمیرسانند ... حسادت نمی کنند ... دروغ نمی گویند ... طعنه نمیزنند ... خیانت نمی کنند ... قضاوت نمی کنند ... مرا به یاد سرای آخرت می اندازند و بالاتر از همه ی اینها اگر از پیششان بروم، پشت سرم بد گویی نمی کنند!



فاصله‌ها؛ نسل من از نسل تو یا از خودش؟ دنلوشته ای از کاربر bilan درباره نسل دفاع مقدس



دعوت کاربر meinoosh از کاربران جهت دعا برای آزادی شیخ زکراکی



ماشین تزیین شده برای مراسم ازدواج کاربر amirhoseynr

یک توفیق بزرگ... از چه زمانی نوشتن در مورد شهدا را شروع کردید و اولین کتابی که در این زمینه منتشر کردید چه بود؟
حدود ۸۶ سال شروع به نوشتن اولین کتابم کردم و کتاب «جامانده» در سال ۸۷ به چاپ رسید.

استقبال مردم از این نوع کتاب‌ها را چطور دیدید؟

نسبت به فرهنگ‌سازی ضعیفی که در این حوزه داشتیم، به نظرم استقبال مردم خوب بود. حتی در نمایشگاه بین‌المللی کتاب فروش خوبی داشت.

برای تهیه این کتاب‌ها با مشکلاتی هم مواجه می‌شوید؟

صد در صد.. هرکار فرهنگی، سختی و مشکلات خاص خودش را دارد و نوشتن هم جدا از مقوله نیست و متأسفانه اگر تمامی مراحل سختی‌های جمع‌آوری و تالیف یک کتاب را کنار بگذاریم، بیگانه بودن و دور شدن مردم با کتاب و کتاب‌خوانی یکی از معضلات بزرگ موجود در جامعه است که بر سختی کار می‌افزاید و این در شرایطی است که مقام معظم رهبری همواره در سخنان خود به توسعه کتاب و کتاب‌خوانی تأکید می‌کنند و در فرمایشات ایشان شاهد هستیم که تلاش برای استفاده بهینه از زمان برای کتاب‌خوانی را لازم می‌دانند.



یکی از خاطراتی که از روند تولید و انتشار کتب شهدا به ذهنتان می‌رسد را بفرمایید؟

ماجرا از این قرار بود که من متن سخنرانی خود را که از قبل طبق

زمانی که برای بنده در نظر گرفته بودند را آماده کرده بودم و در روزنامه‌ای که در همان مراسم به ما داده بودند، گذاشتم ولی متأسفانه و شاید خوشبختانه وقتی پشت تریبون رفتم و روزنامه را باز کردم دیدم که برگه مورد نظر بنده غیب شده!!

عرق از پیشانی من سرازیر شد و نمی‌دانستم جلوی این همه چشم‌هایی که در برابر من هستند و به من نظاره می‌کنند چه بگویم؟! یک لحظه از شهید وحید خواستم کمک کند و شروع کردم هر آنچه در دل داشتم را بازگو کردم، هرآنچه طی این سه سال از وحید فهمیده بودم را پشت آن تریبون از صمیم دل سرودم.

وقتی سخنرانی بنده تمام شد سرم را بالا گرفتم دیدم که اکثر حضار در سالن اشک در چشمانشان حذقه زده. آمدم پایین و به سمت برادر شهید رفتم و ایشان بنده را در آغوش گرفت و زار زار گریه کردیم، آن لحظه احساس کردم شهید وحید را در آغوش گرفتم، نمیدانم چرا ولی...

خلاصه بگویم برگه مربوطه زمانی که بنده بالای سن میرفتم از لای روزنامه افتاده بود و یکی از دوستانم آن را برداشت ولی دیگر دیر شده بود و من پشت تریبون بودم. تصاویر اشک ریختن حضار

جامانده، ترکش داغ و از خاک پیرس... نام کتاب‌هایی که عطر شهدا و سال‌های دفاع مقدس را با خود دارند. آقای عباس روحی دهبند نویسنده صاحب نام خطه گیلان، با تلاش‌های بی‌وقفه خود سرداران شهر خود را در میان خطوط این کتاب‌ها به نسل‌های امروز و فردا می‌شناساند. در بین ساعات پرمشغله ایشان توانستیم لحظاتی از وقت ایشان را بگیریم و سوالاتی بپرسیم و حیف که فرصت نشد بیشتر پای سخنان ایشان بنشینیم.

لطفا خودتون رو معرفی بفرمایید

عباس روحی با نام کاربری **abbasrouhi** (سردار شهید وحید رزاقی)

چرا نام سردار شهید وحید رزاقی را انتخاب کردید؟

اسم این شهید بزرگوار برمی‌گردد به آغاز به کار بنده برای نوشتن کتاب «ترکش داغ» که حدود سه سال طول کشید و باعث شد من با این شهید و خصوصیات اخلاقی‌اش عجین بشم.

چطور شد وارد وادی کتاب‌های مربوط به دفاع مقدس شدید؟

از همان دوران مدرسه عاشق ادبیات و درس انشاء بودم و در کنار این علاقه، خیال‌پرداز هم بودم و ترکیب این دو باعث شد در آن زمان کم‌کم به سمت قلم و سیاه کردن کاغذ روی آوردم. اما در خصوص دفاع مقدس این را بگویم بجز شهدا نمی‌توانم در حوزه دیگری قلم بزنم، نمیدانم چرا!!!!



در همان زمان رسانه‌ای شد...

خیلی تاثیرگذار بود، خوش به سعادتتان... فرمودند زنده نگهداشتن یاد شهدا کمتر از شهادت نیست. فلسفه این جمله چیست و چرا اینطور است؟

فلسفه و اهمیت این جمله زیبای مقام معظم رهبری برمی گردد به رنج چندین ساله امام سجاد(ع) و حضرت زینب(س) برای زنده نگه داشتن واقعه کربلا و شجاعت و مظلومیت امام حسین(ع) و یارانش.

خب فعالیت‌های مجازی شما در چه حوزه‌ای است؟

بیشتر برای جمع آوری و کسب اطلاعات در حوزه سیره و تفحص شهدا.

فضای مجازی را چطور تعریف می‌کنید؟

فضای مجازی برای خود یک قلمرو وسیع و بکری است که دارای امکانات و فرصت‌ها و البته آسیب‌های زیادی است که خیلی باید مراقب بود. البته برخی از اندیشمندان جهان، فضای مجازی را به دو جهانی شدن دنیای معاصر تشبیه می‌کنند. ولی جدا از امکانات مفیدی که این فضا دارد، به هیچ وجه فضای قابل اعتمادی نیست، علی‌الخصوص در شناخت افراد. به قول معروف، ما در فضای مجازی با اثر ذات رو به رو هستیم نه با خود ذات!

انتظار شما از یک شبکه اجتماعی مجازی چیست؟

شبکه اجتماعی مجازی باید هدفمند باشد و این هدف باید با فضای حقیقی جامعه و ملت تطبیق داده شود.

چطور می‌شود با استفاده از این فضا فرهنگ کتابخوانی را گسترش داد؟

فضای مجازی بهترین و کم هزینه‌ترین فرصت برای معرفی کتاب و ترویج و ارتقای فرهنگ کتابخوانی است.

چطور با افسران آشنا شدید و از چه زمانی وارد سایت شدید؟

در سفر راهیان نور با برخی از دوستان افسرانی همسفر بودم و دقیقا در ساعات پایانی سال ۹۱ در یکی از مساجد اهواز با این سایت آشنا شدم و با دعوتنامه دوستان به عضویت افسران درآمد. البته از آن سفر به بعد این سفر راهیان نور تداوم داشت و جالبه دوستانی از ۱۰ الی ۱۱ استان در یک اتوبوس به سمت جنوب، سرزمین وصل...

چه سفر پربرکتی! طی این مدت آیا شبکه اجتماعی افسران انتظار شما را برآورده کرده است؟

البته شاید انتظارات بنده زیاد باشد ولی با توجه به توانایی و استعدادهایی که از دوستان در نظر دارم، برنامه ریزی خوبی برای تشکیل یک کارگروه فرهنگی چند منظوره شده تا بتوانیم خروجی خوبی در عرصه فرهنگ و هنر و جنگ نرم داشته باشیم.

این کارگروه چه اهدافی را دنبال می‌کند و قرار است چه نوع

خروجی داشته باشد؟

جواب این سوال نیاز به یک تصمیم دسته جمعی دارد.

لازمه‌های ارتقای سایت را چه می‌دانید؟

شناسایی افسران فعال فرهنگی و تشکیل کارگروه فرهنگی قوی و برگزاری جلسات مجازی و حقیقی... و یک انتقاد: نظارت روی سایت ضعیف است

وظیفه یک افسر جنگ نرم را چه می‌دانید؟

وظیفه افسر جنگ قاعدتا در این برهه از زمان که استکبار جهانی برنامه‌های قطعی خود را علیه ملت و کشور عزیز ما اجرایی کرده، بسیار حائز اهمیت است و به اعتقاد کارشناسان بهترین فضا برای اجرایی کردن هرچه بیشتر جنگ نرم در این مقطع حساس دانشگاه‌ها می‌باشد چون طراحان جنگ نرم بیشترین سرمایه‌گذاری را برای ایجاد شبکه و یارگیری ابتدا بر روی نخبگان و دانشجویان انجام داده و سپس از طریق آنها به بدنه جامعه منتقل می‌کنند. رهبر معظم انقلاب تعبیر زیبا و هوشمندانه‌ای از دانشجویان به عنوان افسران جوان در این جبهه مقابله به کار بردند.

طراحان جنگ نرم بر علیه ایران به علت اهمیت جایگاه ولایت فقیه در اعتقادات جامعه ایران و میزان تاثیرگذاری آن و همچنین به عنوان مهمترین عامل در پیشگیری از براندازی نرم نظام جمهوری اسلامی، آن هم با وجود گذشت قریب به سه دهه از عمر انقلاب ایران، بیشترین طراحی را برای مشروعیت‌زدایی و مخصوصا اعتبارزدایی از جایگاه ولایت فقیه و به صورت مشخص از شخص مقام معظم رهبری را در دستور کار خود قرار داده‌اند و این موارد حساسیت و اهمیت یک افسر جنگ نرم را نشان می‌دهد.

باتوجه به اینکه در زمینه معرفی شهدا فعال هستید شیوه پرداختن کاربران فضای مجازی به مقوله شهید و شهادت را چطور ارزیابی می‌کنید؟

امروزه عرصه انتقال فرهنگ ایثار، شهید و شهادت بخش مهمی از جبهه جنگ نرم را شامل می‌شود و خوشبختانه زحمات و کارهای فراوانی در این عرصه صورت گرفته، درحالی‌که حمایت ضعیفی از طرف مسئولین ذی‌ربط صورت گرفته است. به عنوان مثال سایت «لاله‌ها» که بدون حمایت مسئولین توسط چند جوان و فقط با کمک چند تن از یادگاران ۸ سال دفاع مقدس ایجاد شده و فعالیت می‌کند، خیلی خوب توانسته به معرفی شهدا بپردازند و آثار بسیار زیاد و با ارزشی جمع آوری کنند.

و حرف آخر اگر هست بفرمایید.

دعای ویژه بنده: **إن شاء الله می‌یریم، شهید شویم ...**

بابت وقتی که با وجود مشغله فراوان در اختیار نشریه قرار دادید سپاسگزارم



بیا و قصه‌ی ما را شبیه کنعان کن
 و چشم کور زمان را بیا و درمان کن
 بیا و چهره‌ی غمگین جمعه‌هامان را
 به یمن آمدنت تا ابد تو خندان کن
 هوا گرفته ولی آسمان نمی‌بارد
 برای این همه قحطی دعای باران کن
 به انتظار شکفتن نشستہ لبخندم
 فقط کمی ز رخت را بر آن نمایان کن
 دوباره جمعه و دل‌تنگ جمکران هستم
 بیا به خیمه‌ی سبزت مرا تو مهمان کن
 به جرم این همه بد عهدیم بیا آخر
 میان صحن و سرایت مرا تو زندان کن
 رسول ضمیران

نکند دین تو بازیچه‌ی اغیار شود
 باورت در تله‌ی غرب گرفتار شود
 نکند باعث خوشحالی دشمن بشوی
 عوض آنکه پریشان و عزادار شود
 یوسف عشق تو آلوده به شهوت نشود
 نکند آخر این قصه اسفبار شود
 نکند روز دهم غرق شعف باشی تو
 نکند فتنه‌ی سبز آید و تکرار شود
 گرگ با شکل جدید آمده، مشعل به دهن
 وای از آنروز که دهقان فداکار شود
 مسعود یوسف پور

سنجیده می‌شود کم و بیش عیارها
 بر دار می‌رود سر میثم تبارها
 لبخند می‌زند دم آخر به روی دوست
 از اوج پر اباحت معراج دارها
 شیخ شهید شیعہ شراب وصال خواست
 آمد به سر به پای تمام قرارها
 منبر نبود تا که سرش روضه‌خوان شود
 از راه می‌رسند ولی نیزه‌دارها
 عهد ازل امانت عشق است و می‌کشید
 بر شانه‌های زخمی خود کل بارها
 تکرار لحظه‌های شهادت شده است آه
 رسم عجیب هر ورق از روزگارها
 در غیبت است حضرت حجت (عج) و ما غریب
 این است راز روی تر چشمه سارها
 هر لحظه موج باد خزان میوزد به باغ
 عجل علی ظهور تمام بهارها
 «دی شیخ با چراغ همی گشت گرد شهر»
 دنبال رد لشکر چشم انتظارها
 شب می‌رود، سحر به خدا می‌کند طلوع
 خورشید مرکز همه این مدارها
 بیدار می‌شوند به نور حقیقتش
 آیینہ‌های خفته و رای غبارها...
 فاطمه عارف نژاد



تسلیم رضای خداوند

ارسال شده توسط: matinemami

یکی از صفات انسانی، رضایت‌مندی او به آن چه خداوند انجام می‌دهد، است. برخی حوادث در اختیار انسان نیست، بلکه از طرف پروردگار است؛ اگر کسی در برابر این حوادث الهی تسلیم محض باشد، چنین روحیه‌ای موجب تکامل است. این روایت معروف است که جناب جابر ابن عبدالله انصاری، در محضر امام محمد باقر (علیه السلام) نشسته بود. حضرت از او پرسیدند: «کیف اصحبت یا جابر؟». عرض می‌کند: ای پسر رسول الله، من به جایی رسیدم که دیگر مرض را بیشتر از صحت دوست دارم؛ فقر را بیشتر از غنا دوست دارم. حضرت به جابر فرمودند: «ولی ما اهل بیت این طور نیستیم؛ ما هرچه را که خدا دوست دارد، آن را دوست داریم؛ اگر به ما فقر بدهد، فقر را دوست داریم و اگر هم غنا بدهد، آن را دوست می‌داریم.»

به قول باباطاهر: یکی درد و یکی درمان پسندد یکی وصل و یکی هجران پسندد
من از درمان و درد و وصل و هجران پسندم آن چه را جانان پسندد

در برابر حوادث روزگار تسلیم محض باشید؛ بنابراین یکی از مصادیق تسلیم در برابر خداوند، همان رضایت در برابر فرمایشات خدا و حوادثی است که انجام می‌گیرد. حضرت ابا عبدالله با آن همه ناراحتی و حوادث تلخ، وقتی زبان به سخن می‌گشاید، عرضه می‌دارد: «الهی، رضاً بقضائک و تسلیماً لامرک لا معبود سواک یا غیاث المستغیثین» این مقام رضا و تسلیم است.

قرآن می‌فرماید: «ولا تتمنوا ما فضل الله به بعضکم علی بعض» (نساء/ ۳۲) اگر چنانچه برخی از شما را یک نعمت و کمالی دادم، در دلتان نگویید که چرا آن نعمت و کمال را به او دادی، ولی به من ندادی. اگر شما به همان مقدار خودت بندگی کنید، شما هم به جایی می‌رسید.

در روایت آمده است: «اعلم الناس بالله ارضاهم بقضاء الله عزوجل» (کافی ج ۲ ص ۶۰)؛ در میان مردم کسی عالم‌تر می‌باشد که به تقدیرات الهی راضی‌تر است. در احوالات جناب عمار، همان شخصی که درباره‌اش روایت شده: «الایمان صار متبلوراً فی عمار»، در جنگ صفین با شمشیر بین دو صف قرار گرفت و گفت: «پروردگارا، اگر من می‌دانستم رضایت تو در این است که من خودم را در دریا بیفکنم و آب مرا خفه کند، همان را انجام می‌دادم و اگر در این است که قبضه شمشیرم را در زمین بگذارم و شکم خودم را بر تیزی شمشیر قرار دهم تا از پشتم درآید، بی‌تردید این کار را انجام می‌دادم، ولی امروز تشخیص دادم که رضایت تو در این است که من این مرد، حضرت علی (علیه السلام) را یاری کنم و با معاویه بجنگم» این نشان از روحیه تسلیم جناب عمار است. همین صفات اخلاقی بود که به او عظمت و کرامت بخشید. رضایت‌مندی به تقدیرات الهی به معنای جبر نیست، بلکه انسان باید در حد و اندازه خودش فعالیت و تلاش نماید: «ولا یكلف الله نفساً الا وسعها» (بقره - ۲۸۶).

آیت الله مشکینی (رحمه الله)



«خامنه‌ای» امام است، همانطور که «خمینی» بود
چه پیش از مرگ، چه بعد از آن...
امام بودن علی (علیه السلام) و ولایت اولاد زهرا،
و سروری امام خمینی و امام خامنه‌ای، مثل بلند بودن است.
بلند بودن، نه عزل است، نه نصب است؛
نه ابلاغ دولتی، نه رفراندم، نه کاندیداتوری.
«دماوند» بلندترین قله ایران است.
حالا اگر فردا سازمان کوهنوردی، یا سازمان جغرافیایی
یا هر اداره دیگری رای بگیرد، حکم بدهد، رفراندوم بگذارد
که مثلاً دنا بزرگترین کوه ایران باشد،
در بلندی «دماوند» خدش‌های وارد نمی‌شود ...

نویسنده: عبدالرضا شادابی
(برداشتی آزاد از کتاب امام و امت دکتر شریعتی)

